

آرامش انقلابی را حفظ کنیم

و بدینسان تاکتیک امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده اش را برای ایجاد تشنج و درگیری در محیط کار و زندگی، در شهرها و روستاها، بی اثر سازیم



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۲
سه شنبه ۲۶ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۲۹ صفر ۱۴۰۱، ۱۵ ریال

امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده اش باید در پیش گرفته شود - همانطور که امام خمینی در روزهای اخیر بارها تأکید کرده اند - حفظ آرامش است. تنها با چنین روشی میتوان باید تاکتیک امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده اش را برای ایجاد تشنج و درگیری در محیط کار و زندگی، در شهرها و روستاها، بی اثر سازیم

با این تاکتیک میخواهند هم جبهه داخلی انقلاب را تضعیف کنند و هم افکار عمومی مردم و مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران را از پرداختن به خطر اصلی - توطئه براندازی آمریکا - منحرف سازند تا - طبق محاسبه خود - زمان وارد آوردن ضربه نهایی به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فرا رسد.

همه شواهد و همچنین همه حوادث هفته ها و روزهای اخیر حاکی از آنست که امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده اش، برای زمینه سازی اجرای توطئه هفتم آمریکا، تاکتیک اصلی خود را در لحظه کنونی، برای انداختن اعصاب و تخنن در محل های کار، ایجاد تشنج و درگیری در شهرها و روستاها، دست زدن به ترور شخصیت های سیاسی و مذهبی و خرابکاری در موسسات حساس قرار داده اند.

امام خمینی:

مطبوعات باید از مسائل مضر به وحدت جامعه احترام کنند

* مطبوعات باید خدمت بکنند به این ملت و همان راه را در پیش گیرند که ملت داشته است

«مطبوعات باید خدمت بکنند به این ملت و باید همان راه را پیش بگیرند که ملت داشته است و به واسطه همان پیروز شده است. انسان می بیند که مطبوعات بعضی شان این طور نیستند. بقیه در صفحه ۴»

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در حضور سردبیر و اعضای تحریریه مجله «سروش»، در روز ۱۳ آذر ۵۹، سخنانی درباره وظایف مطبوعات ایراد کردند. امام خمینی از جمله گفتند:

بکوشیم تا مبارزه سیاسی وایدئولوژیک به سلاحی برای حفظ و تأمین اتحاد نیروهای انقلابی بدل شود

چگونگی برخورد نیروهای گوناگون انقلابی به یکدیگر، بویژه در انقلاب ما و بویژه در شرایط کنونی کشور ما، از نقطه نظر مصالح انقلاب، اهمیت بسیار زیاد دارد. این اهمیت از آنجا ناشی میشود که در انقلاب ما تمام طبقات و اقشار ضد امپریالیستی و ضد استبدادی و خلقی و تمام نیروهای انقلابی، با مواضع گوناگون سیاسی و ایدئولوژیک، شرکت کرده و در پیروزی آن سهیم بوده اند و در به فرجام رساندن آن نیز ذینفع و علاقمندند.

استاندار آذربایجان شرقی خبر تحریک آمیز صدای آمریکا را بشدت تکذیب کرد و گفت:

«روابط ما با همسایه شمالی کاملاً حسنه است»

آقای دکتر ساروخانی اظهار داشت: «آمریکای مغرض که دشمن اصلی ماست و در حال جنگ با ما می باشد، با این تحریفها میخواهد برای ما، در کشور ناراحتی ایجاد کند.»

دکتر ساروخانی استاندار آذربایجان شرقی، طی گفتگویی با خبرنگار کیهان در تبریز، خبر رادیو صدای آمریکا مبنی بر نقل و انتقالات نظامی در مرز ایران و شوروی و احوالات پل به روی رودخانه ارس را بشدت تکذیب کرد. وی افزود: «آمریکای مغرض با این تحریفها میخواهد برای ما در کشور ناراحتی ایجاد کند.»

متن تلگرام پاسخ آیت الله منتظری به تلگرام رئیس جمهور

صفحه ۲

دو نوع برخورد در برابر توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا

۱- هشیار کن
«شورای عالی دفاع (در رابطه با تهاجم نظامی آمریکا) فکریاتی کرده و طرحهایی دارد و بوقوع عمل خواهد کرد.» (حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی - مصاحبه مطبوعاتی، ۶ دی ۱۳۵۹)

۲- خواب کن
«امریکا درصدد تهاجم نظامی به خلیج فارس است و برای به اغتشاش کشیدن منطقه دنبال بهانه میگردد.» (بهزاد نبوی - مصاحبه مطبوعاتی، ۹ دی ۱۳۵۹)

«بعضی از مستدثینان که به گفته های امام ایمان ندارند، احیاناً به ترس از آمریکا دچار شده اند و بدین گمان باطل اند که آمریکا قادر است به ایران حمله نظامی کند... و این خیال باطلی است، زیرا آمریکا قادر به حمله نظامی به ایران نیست.» (میزان - ۱۳ دی ۱۳۵۹)

ضدانقلاب رشت را به آشوب و زرد و خورد کشاند

صفحه ۷

۳ رفیق توده ای در تهران را آزاد کنید

صفحه ۷

بزرگترین دشمن خود را آمریکای جنایتکاری می دانیم

مردم تهران با شعارهای مبارزه علیه دشمن اصلی، امپریالیسم آمریکا، و سرکوب ضدانقلاب در یک راهپیمایی میلیونی شرکت کردند.

بقیه در صفحه ۷



مردم شعار می دادند: آمریکا، آمریکا، ننگ به نیرنگ تو، خون جوانان ما می چکد از چنگ تو

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

متن تلگرام پاسخ آیت الله منتظری به تلگرام رئیس جمهور

از سوی آیت الله منتظری، در پاسخ تلگرام آقای بنی صدر رئیس جمهوری، تلگرامی خطاب به ایشان مخابره گردید. متن این تلگرام به شرح زیر است:

جناب مستعاب آقای بنی صدر رئیس جمهور محترم ایران دامت توفیقه

پس از سلام، تلگرام شما را از تلویزیون شنیدم. چه خوب بود پیش از چنین قضایای، حداقل با تلفن از اینجانب تحقیق نسبت به علت نگرانی من از جریانات جبهه ها و نقض وعده های مکرر در مورد حمله بدشمن، که قهرا موجب بی اعتنائی به روحیه قوی نیروهای مسلح می شود، میگردید. فکر میکنم اگر جنابعالی بجای من بودید و هر روز با طبقات مختلف مردم و جوانان رزمنده و فدائکار، از سربازان و درجه داران و افسران ارتش و سپاه بسیج و مسئولان ارگانها، که معمولاً ماهها در جبهه بوده و با دلی پر درد از مسامحه کاریها برای گزارش جبهه ها و گلایه و کسب تکلیف شرعی بمنزل من می آیند، تماس داشتید و هم اینان که طبیعی است ادعای عدم آشنائی بمسائل جنگی و تحقیق در مورد همه آنها ناروا است، میتوانستند برای شما کاتال صحیح اطلاعات و اخبار باشند، قضاوت شما غیر از این بود و بازدید مجدد از جبهه و ملاقات با فرماندهان را ضروری نمیدانستید. بنظر من آنچه فعلاً به صلاح اسلام و مسلمین می باشد، حفظ اتحاد و اطاعت از رهنمودهای قاطع رهبری و احترام به ملت و مجلس و ارزشهای الهی و طرد کامل سریع دشمن از حریم میهن اسلامی است. ما در مقابل خون جوانان عزیز و رشید اسلام و بیش از یک میلیون آواره مسلمان مسئولیتی بزرگ داریم. اینجانب ارتش، سپاه و بسیج را برادران خود دانسته و تقویت و تأیید مادی و معنوی آنان را در هر مناسبتی وظیفه شرعی میدانم و در خطبه های نماز جمعه به آنان دعا می کنم. توفیق شما را در خدمت اسلام و جمهوری اسلامی از خدای بزرگ خواهانم. به امید هجوم نیروهای مسلح ایران و پیروزی قوای اسلام بر کفر.

والسلام علیکم
قم - حسینعلی منتظری
۰۵۹۱۰۱۳

روابط ما با همسایه شمالی...

بقیه از صفحه ۱

استاندار همچنین گفت: «آذربایجان شرقی آرامترین منطقه در بین استانهای کشور است و مرزهای منطقه از آرامش کامل برخوردارند.»

استاندار آذربایجان شرقی در این مصاحبه همچنین اظهار داشت: «من در مصاحبه خود با روزنامه کیهان گفته بودم که در مرز ایران و شوروی یک مقدار از سیم خاردارها برداشته شده و چند پل فلزی نیز در منطقه بچشم میخورد که بعد از تحقیقات لازم، همانطوری که در کیهان درج شد، معلوم شد که برداشتن سیم خاردار وجود ندارد. مرزها مرزهای مرزها می باشد و یک مساله عادی بوده و هیچ خطری از این ناحیه متوجه ما نمی باشد.»

وی اضافه کرد: «آمریکای مغرض که دشمن اصلی ماست و در حال جنگ با ما می باشد، با این تحریفها میخواهد برای ما، در کشور ناراحتی ایجاد کند، غافل از اینکه این تحریفها اثری در ما ندارد.»

دکتر ساروخانی با اشاره به جو سیاسی موجود در منطقه گفت: «آذربایجان شرقی و تبریز آرامترین منطقه در بین استانهای کشور می باشد و در عین حال که عوامل آمریکا با شایعه پراکنی میخواهند جو سیاسی موجود شهر را پرهم بزنند، ولی مردم همچنان مشغول فعالیتهای روزانه بوده و در سطح استان هیچ ناراحتی به چشم نمی خورد.»

استاندار آذربایجان شرقی در مورد مرزهای منطقه گفت: «مرزهای منطقه نیز از آرامش کامل برخوردارند و هیچگونه مشکلی در رابطه با مرزهای استان وجود ندارد.»

وی درباره نقل و انتقالات نظامی در آن سوی مرز شوروی اظهار داشت:

«اگر هم بر فرض نقل و انتقالاتی در آن سوی مرز صورت بگیرد، مربوط به خود آن کشور می باشد، همچنان که شاید ما نیز در مرزهای کشور خود نقل و انتقالاتی انجام دهیم.»

دکتر ساروخانی در مورد روابط دوستی ایران و شوروی گفت: «در حال حاضر روابط ما با همسایه شمالی کاملاً حسنه بوده و رابطه ترانزیتی ما با کشور شوروی برقرار می باشد، بطوری که ما مقدار زیادی از کالاهای مورد نیاز خود را از طریق آن کشور وارد می کنیم.»

(کیهان، ۰۵۹۱۰۱۴)

تصحیح

در شماره ۴۱۰ نامه «مردم» - شنبه ۱۳ دی ۱۳۵۹، در مقاله «ما به دام تحریک و فداکاری نمی افتیم»، در صفحه ۳، ستون اول، سطر ۲۸ یک اشتباه چاپی

بکوشیم تا مبارزه...

بقیه از صفحه ۱

در چنین شرایطی، چگونگی برخورد نیروهای انقلابی به یکدیگر، نه علیرغم اختلافات و تفاوت های موجود در مواضع سیاسی و ایدئولوژیک، به دستاوردهای انقلاب و تعمیق انقلاب علاقمندند، می تواند حتی در سرنوشت انقلاب نقش مهم داشته باشد. برخورد خصومت آمیز برخی از نیروهای انقلابی به یکدیگر، توسل به دشنامدوئی، ایراد افترا و بهتان به یکدیگر، که نشانه ای از عدم تحمل عقاید مخالف و انحصارطلبی سیاسی است، می تواند در صورت ناپختگی و ناآگاهی این نیروها - تفرقه بین نیروهای خلق را تشدید کند، آنها را از یکدیگر جدا سازد و بجای اتحاد عمل، آنها را در مقابل یکدیگر قرار دهد و واضح است که از چنین فضائی فقط امپریالیسم و ضدانقلاب پرورده اش سود می برند.

در مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک، حتی با منحرفان و سازشکاران و تسلیم طلبان نیز شیوه اصولی برخورد را باید رعایت کرد.

آیت الله دکتر بهشتی در سخنرانی اخیر خود، پیش از خطبه نماز جمعه ۱۲ دیماه ۵۹، در این مورد گفت:

«اسلام به ما یاد داده درباره دشمنان هم دروغ نگوییم، نسبت به دشمنان هم تهمت و افترا نزنیم، نسبت به دشمنان هم فحش ندهیم.»

این برخورد اصولی اگر با دشمنان درست است، بطریق اولی برای دوستان درست است. ولی چنین روشی متأسفانه تا بحال چندان مورد توجه و مبنای عمل نکرده و برای بحث درباره مسائل سیاسی و ایدئولوژیک مورد اختلاف از توسل به شیوه های غیراصولی و زیان بخش از دشنام و افترا گرفته تا دروغ و تحریف و غیره خودداری نشده است. در مورد شیوه درست و اصولی مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک نکات زیرین درخور توجه و حائز اهمیت اند:

نخست شیوه درست و اصولی در این مبارزه، بسیجی به مفهوم کتمان اعتقادات خویش و خودداری از انتقاد از نظریات دیگران نیست. مسئله فقط بر سر آنستکه این نظریات و اعتقادات در مقابل با نظریات و مواضع دیگر نیرو - های انقلابی، چنان مطرح گردد که به تحکیم مبارزه مشترک با امپریالیسم، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، و ضدانقلاب پرورده اش، به پیشرفت مبارزه برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یاری رساند، نه اینکه این مبارزه را تضعیف کند و به دشمن امکان دهد تا بیشترین بهره را از اختلاف میان نیروهای خلق، بسود خویش ببرد.

دو: انتقادات و ایرادات به نظریات مخالفان باید براساس عین گفته ها و نوشته های آنها متکی باشد. انتساب مطالب جعلی به فلان حزب یا بهمان شخص و دروغ آنها، بیشک روش درست و اصولی در مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک نیست. چنین برخوردی اگر موقتاً بتواند فرد یا گروهی را، که بدان توسل می جوید، اعتبار کاذب بخشد، اولاً بدلیل

امام خمینی...

بقیه از صفحه ۱

شما همه میدانید که اگر این وحدت و یکپارچگی ملت و اگر آن علاقه ای که ملت به اسلام داشت، نبود، ما نمی توانستیم که چنین پیروزی ای که به دست آورده ایم، به دست بیاوریم. برای اینکه ما در آنوقت نه يك ارگانهای نظامی دستمان بود و نه يك تعلیمات نظامی داشتیم و نه يك اسلحه قابل ذکر، بلکه هیچ داشتیم، معذالک آن چیزی که همه حسابها را در هم کوید، این توجه مردم به يك مطلب، سرتاسر ایران، از بچه کوچک تا بزرگ، توجه شان به يك مطلب بود و آن اینکه باید آن رژیم سابق نباشد و باید اسلام باشد، جمهوری اسلامی باشد. اختلاف هم آنوقت در کار نبود.

اگر آنها هم اختلاف بعد کردند، آنوقت هم انگیزه اش را داشتند، جرات نمی کردند که در مقابل آن موجهی که بود، يك چیزی بگویند و ممکن است که خیلی از آنها میخواستند خودشان را داخل جمعیت کنند، که بعدش بهره برداری کنند چنانچه می بینید الان همین طورهاست. چه اشخاصی و چه گروه ها که در این نهضت و در این کاری که مردم کردند، بسیارشان دخالت نداشتند. گروهها بعضی هاشان هیچ دخالت نداشتند، لکن خودشان را وارد کردند و دنبال این بودند که چه بشود. آیا رژیم سابق غلبه بکند تا خودشان را داخل او بکنند و یا بعدی غلبه بکند تا خودشان را داخل آن کنند. و معنی فرصت طلبی هم همین است که اشخاصی کنار بنشینند و نگاه کنند ببینند چه میشود، هرچی شد خودشان را در آن گروهی که پیروز شده است، جایزند. اینها و این گروهها وقتی دیدند نه مسئله آنطور نیست که هر کسی بیاید و هر کاری دلش می خواهد بکند، مواجه شدند با این جمعیت هایی که توجه به اسلام

آرامش انقلابی...

بقیه از صفحه ۱

خنثی ساخت، زیرا روشن است که ضدانقلاب فقط در محیط تشنج و درگیری و بسخن دیگری، با گل آلود کردن آب است که میتواند ماهی بگیرد.

اگر از اعتصاب و تحصن خودداری شود و خواسته های مشروع و قانونی از راه مذاکره با مقامات مسئول تحقق پذیرد؛ اگر بدون اجازه مقامات مسئول هیچگونه اجتماع، تظاهر و راه پیمائی صورت نگیرد؛ اگر حفظ نظم و اجرای قانون برعهده مقامات و ارگانهای مسئول گذارده شود؛ اگر در برابر هرگونه تحریکی که برای ایجاد تشنج و درگیری میشود، آرامش و خونسردی حفظ گردد؛ اگر تدابیر امنیتی جدی برای حفظ جان شخصیت های سیاسی و مذهبی و

موسسات حساس اتخاذ شود؛ در چنین صورتی، هم عوامل ضدانقلاب بسادگی و بسرعت شناخته میشوند و هم خنثی کردن اعمال ضدانقلابی با سادگی و سرعت امکان پذیر میگردد.

مردم زحمتکش و انقلابی کشور ما، در هر جا که هستند، در شهر و روستا، در کارخانه و مزرعه، در اداره و مدرسه، همراه با ارگانها و نهادهای انقلابی و انتظامی، بسا هشیاری انقلابی، با قاطعیت انقلابی، با آرامش انقلابی و با نظم انقلابی میتوانند تاکنیک امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده اش را برای برآوردن اعتصاب و تحصن در محل های کار، برای ایجاد تشنج و درگیری در شهرها و روستاهای ایران، برای ترور و خرابکاری خنثی کنند. و خنثی کردن این تاکنیک امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده اش، گام بزرگی در جهت عقیم گذاردن توطئه هفتم امپریالیسم آمریکاست.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شوکت کنیم!

پیرونده سازی علیه حزب ما، بسا حزب توده ایران «مبارزه» کنند. ما دوران حساسی را می گذرانیم، که حفظ و تأمین اتحاد نیروهای خلقی در مبارزه با امپریالیسم، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، ضرورت حیاتی دارد. بکار بستن اصول درست، انسانی، منطقی و علمی در مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک، نه فقط از نظر حفظ سلامت جو جامعه و فضای میان نیروهای انقلابی اهمیت دارد بلکه در برابر خطر فوری و جدی امپریالیسم آمریکا، اهمیت چند باره کسب میکند.

بکوشیم تا مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک به سلاحی برای حفظ و تأمین اتحاد نیروهای انقلابی در مبارزه بر ضد امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، و برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بدل شود.

نتیجه به بی اعتبار شدن دشنام دهند و اقترازننده در میان مردم منجر میگردد. هیچ چیز به اندازه تکیه بر واقعیت و منطق در استدلال و متانت و آرامش در لحن گفتار و نوشتار برای پیشبرد نظر صحیح مفید و موثر نیست.

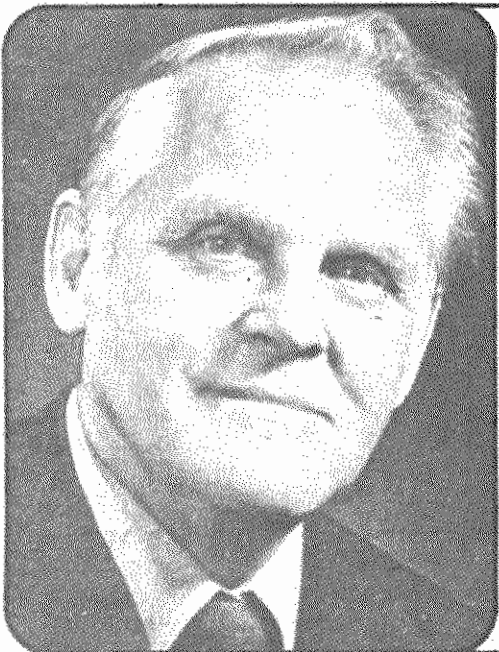
تا آنجا که به حزب توده ایران مربوط است، حزب ما همیشه این اصول را رعایت کرده و همواره روش خود را در مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک با مخالفان، بر این اصول متکی کرده است. اما متأسفانه برخورد بسیاری از مخالفان حزب توده ایران بسا حزب ما، یکلی با روش درست و اصولی مغایرت داشته است. در دو ساله پس از انقلاب، خوارها دشنام و افترا و دروغ علیه حزب توده ایران، باریدن گرفته است. بسیاری تلاش کردند که حتی با

نفس نادرست و زشت عمل، موجب خصومت میان نیروها میگردد و پیوند این نیروها را، اگر در جبهه انقلاب قرار داشته باشند، تضعیف می کند و در نتیجه به انقلاب زیان میزند، و ثانیاً در درازمدت به بی اعتبار شدن خود کسانیکه بدان توسل جستند، منجر میگردد.

سوم: استفاده از بهتان، افترا و دشنام در مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک، اصولاً مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک نیست. چنین روشی تنها به خصومت و نفاق میان نیروهای خلق دامن میزند و آنها را، آنگونه که دشمن مشترک میخواهد، علیه یکدیگر تحریک میکند. به کار بردن دشنام و افترا نشانه ضعف استدلال و عدم اعتماد به مواضع سیاسی و ایدئولوژیک خویش است، و در

از: گس هال، دبیر کل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا

در لهستان سرانجام سوسیالیسم است که پیروز خواهد شد!



رفیق گس هال در "کنوانسیون هفدهم" حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، در تابستان ۱۳۳۸، به سمت دبیر کل حزب برگزیده شد و تاکنون نیز این مقام را به عهده دارد. گس هال پیش از این یکی از بنیانگذاران "یونایتد استیل ورکرز و آمریکا"، "ای. اف. ال. سی. آی. او." و از جمله رهبران "اعتصاب کوچک فولادکاران" اوهایو در سال ۱۳۱۶ بود. گس هال همچنین چند بار نامزد حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا برای مقام ریاست جمهوری بوده است.

در پیامی که برای ایجاد "صندوق کمک به کارگران لهستان" به صدک های عضو این سازمان فرستاد، محور شد که اظهارات و اقدامات رهبری "ای. اف. ال. سی. آی. او." را توجیه کند و گوید: "ای. اف. ال. سی. آی. او. در اعتصاب کارگران لهستان به هیچ روی دست نداشته است." وی برای ستار هدف های ضد سوسیالیستی بام خود، محور شد گوید که، ست او حمله به نظام سوسیالیستی لهستان است: "قصد ما این نیست که به نظام اقتصادی هیچ کشوری، از جمله لهستان، حمله کنیم، به مقابله با آن برداریم و یا آن را زیر علامت سؤال قرار دهیم. حال می خواهد این کشور سرمایه داری، سوسیالیستی و یا هر چیز دیگر باشد. "ای. اف. ال. سی. آی. او." بر سر این دعوا ندارد... که مالکیت ابزار تولید در دست کیست. به نظر ما این امر کاملاً بی ربط است."

کیرکلند ادعا دارد که تنها هدف او "انسانی کردن نظام" منظور "خدمت به امر صلح... تنش زدایی... و مناسبات سازنده میان ملت ها" است!

اگر چنین است، پس چرا رهبری "ای. اف. ال. سی. آی. او." هیچگاه از هیچ اعتصابی در کشورهای سرمایه داری، از جمله، در ایالات متحده پشتیبانی نکرده است؟ رهبران نامبرده چرا برای کارگران اقتصادی آفریقای جنوبی و شیلی صندوق کمک دایر نکرده اند؟ حتی در کشور خود ما بارها اتفاق افتاده است که کارگران به اعتصابهای طولانی مجبور گردیده اند بدون آنکه از طرف سدیگا به آنها کمک شود. لاین کیرکلند، که همیشه یکی از هواداران سرسخت گسترش دودخ نظامی، تولید تلیحاتی و برتری نظامی بر اتحاد شوروی بوده است، از کی تا بحال قهرمان "صلح" برای مقابله با نظام اجتماعی-اقتصادی لهستان، یعنی پایه سیاسی و اجتماعی جامعه لهستان، استفاده خواهند جست.

حقیقت آنست که سرمایه انحصاری و عوامل آنها در میان کارگران، از هر مسئله ای، هر کمبودی و هر اشتباهی برای مقابله با نظام اجتماعی-اقتصادی لهستان، یعنی پایه سیاسی و اجتماعی جامعه لهستان، استفاده خواهند جست.

حقیقت را نادیده بیانگاریم که رهبران سدیگاها چه سا که از طریق غیر دمکراتیک برگزیده می شدند. اما در عین حال باید تصریح کنیم که همه تبلیغات، بهتان ها و تحریفات رسانه های گروهی، محافل انحصاری و ایدئولوگ های شان و رهبری "ای. اف. ال. سی. آی. او." نمی تواند ما را به نقی نفس مترقی سدیگا های لهستان وادارد.

مقایسه سدیگاها و حقوق سدیگایی در کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری پس دشوار است، زیرا که کارگران آمریکایی حتی در رویا نیز نمی توانند به وسعت حقوق اجتماعی کارگران در کشورهای سوسیالیستی سی برسد. آنها حتی تصور این را نمی توانند بکنند که قانون اساسی حقوق آنها باشد.

همان گونه که می دانیم، کارگران در ایالات متحده مجبورند که برای جریب ترین امتیازات، بهبود شرایط کار و زندگی و افزایش دستمزد با شرکت های انحصاری به جنگ ساخریند.

کارگران آمریکایی حتی نمی توانند تصور آنرا بکنند که در عین اعتصاب، مانند کارگران لهستان، دستمزد کامل خود را دریافت دارند. کارگران ایالات متحده با محدودیتها و موانع بسیار، از جمله قانون های "تفتت سهارتلی" و "لندرام گریفین" و غیره، در زمینه حق تشکل و اعتصاب مواجه هستند.

پشتیبانی محافل انحصاری، کارتر، ریگان و رهبران بلند پایه سدیگایی را چیزی جز قله ریاکاری نمی توان نام نهاد. اینان تاکنون حتی یک بار از اعتصابی در ایالات متحده و یا دیگر کشورهای سرمایه داری هواداری نکرده اند. اما هنگامی که اعتصابات نادری در کشورهای سوسیالیستی رخ می دهد، عناصر نامبرده نخستین کسانی هستند که برجم اعتصاب را برمی افرازند!

نیروهای ضد سوسیالیستی انگیزه های واقعی خود را با لفاظی های ریاکارانه درباره حقوق انسانی و سدیگایی کارگران لهستانی سستتر می دارند. حالت است که حتی ارتجاعی ترین نیروها ضرور می دانند که هدف های ضد سوسیالیستی خویش را پنهان دارند. آنها، بدین سان، معترفند که انتقاد از کارگران سوسیالیسم با استقبال کارگران لهستانی روسرو خواهد شد. حتی لاین کیرکلند، رئیس "ای. اف. ال. سی. آی. او."

عادی اعتصاب ضرورتی ندارد، چون کارگران و مدیریت در یکسو قرار دارند. وسائل تولید در مالکیت همگانی است و به همه کارگران و مردم تعلق دارد. هدف تولید، رفاه همگانی است. نه شرکت خصوصی وجود دارد و نه سود خصوصی. میان مدیریت و کارگران تضادی نیست. هر سود و ثروتی در افزایش سطح زندگی و تامین خواست ها، فرهنگی و معنوی همگان بکار می رود.

بنابراین، کارگران در صورت توسل به اعتصاب، در واقع علیه خود و منافع خود اعتصاب می کنند و مذاکره درباره راه حل، مذاکره میان دو طرف متخاصم نیست، بلکه بحثی است درباره مسائل، منافع و مصالح متقابل و، در نتیجه، راه حل های متقابل.

رخداد اعتصاب یا به علت سوء مدیریت است و یا نبود آگاهی سوسیالیستی کارگران. در مورد لهستان هر دو دلیل را باید در نظر گرفت.

آنچه که وضع را انفجاری تر کرد، نبود تماس و ارتباط با کارگران از سوی افرادی در مدیریت، حزب و رهبری سدیگاها بود. این عدم ارتباط سبب شد که به موقع تدابیر اصلاحی برای پیش گیری از انفجار به عمل نیامد. مدت ها بود که تشنج و ناخوشنودی ایجاد شده می شد و کارگران درست یا غلط، دچار این احساس گردیدند که چاره ای جز دستگیری از روش های خشونت بار و جنگ برای جلب توجه به خواست های شان ندارند.

به خواست کارگران درباره سدیگاها مستقل باید از نقطه نظر ما و بی اعتمادی آنها نسبت به سدیگاها موجود و رهبران آنها نگرست. همچنین باید به یاد آورد که کارگران خواستار سدیگایی مستقل از جامعه سوسیالیستی نبودند. این واقعیت دارای اهمیت فوق العاده است که اعتصابیون و رهبران شان صریحاً اعلام داشتند که علیه سرشت و پایه حکومت سوسیالیستی دست به اعتصاب نزده اند. آنها هیچگاه به انکار نقش رهبری حزب متحد کارگری لهستان نپرداختند، بلکه تقاضا دارند که در چارچوب لهستان سوسیالیستی به خواست های شان رسیدگی شود.

این واقعیتی است که باید، علیرغم هیاهو و فعالیت عناصر ضد سوسیالیستی داخلی و خارجی، تصریح گردد. فعالیت های ضد سوسیالیستی از جمله خرابکارهای "سیا" و نیروهای ضد انقلابی سراسر جهان به ویژه در آلمان غربی، را دربر می گرفت.

«دوستان»

ریاکار لهستان

این نیروهای ارتجاعی دارای استراتژی درازمدت برای تاز زدن در جهان سوسیالیسم و بیرون راندن یک یک کشورهای سوسیالیستی از مدار سوسیالیسم است. آنها به لهستان را از یاد برده اند و نه دیگر کشورهای سوسیالیستی را، اما فکر می کنند که یک یا لای در لهستان گذاشته اند. از اینروست که تلاش های ضد انقلابی و خرابکارانه آنها ادامه خواهد یافت و احتمالاً از این نیز بالاتر خواهد گرفت.

این به معنای آن نیست که منکر کاستی های واقعی و اشتباهات جدی رهبری لهستان، بویژه رهبری سدیگایی، باشیم و یا آن که این

هنگام شکست نازیها و تارو مار آنها از سوی ارتش شوروی، از صنایع، شهرها و شهرکها، روستاها، بیمارستانها، مزارع و دامهای لهستان جزویرانه های باقی مانده بود. پس از جنگ، مردم لهستان - منهای میلیون ها تن که از سوی نازیها به هلاکت رسیده، یا منته شده بودند - قهرمانانه و قاطعانه، بازسازی کشور خود را برپا یسه سوسیالیسم آغاز کردند. آنها به ساختن جامعه سوسیالیستی مدرن، در کشوری که عقب افتادگی واپس ماندگی صنعتی و بازمانده های فئودالیسم را از سرمایه داری به ارت برده بود، همت گماشتند.

مردم لهستان، با وجود محدودیت منابع طبیعی و در حالی که بار سنگین ویرانه های جنگ را به دوش می کشیدند - با کمک وسیع اتحاد شوروی - در مدت کوتاه ۳۶ سال موفق شدند که جامعه سوسیالیستی پیشرفته ای را بنهاند. امروزه لهستان کشور پرست مدرن و دارای پایه مادی - فنی پس بارآور. این کشور اکنون از اغلب کشورهای کهن سرمایه داری از نظر تولید و کیفیت، عمومی زندگی پیشرفته است. در لهستان، شهرها و شهرک های مدرن، مجتمع های عظیم سکونی و صنعتی، مدارس، بیمارستانها، جاده ها، پلها و سدهای فراوان ساخته شده است. این کشور دارای شبکه مدرن نیروگاهها و ترابری است.

مسائل و کاستی های لهستان امروز را - مانند همه کشورهای سوسیالیستی - در این واقعیت باید دید که سوسیالیسم پیشرفته هنوز به مرحله غائی خود نرسیده است. این طام اجتماعی هنوز در حال توسعه است. در روند ساختمان هر نظام اجتماعی - اقتصادی، عناصری از آرمایش و اشتباه موجود است.

از سوی دیگر، سوسیالیسم در لهستان دارای ویژگی های خویش، از جمله، کاستی های خویش، است. سوسیالیسم در لهستان هنوز با سائلی دشوار روبروست. برای نمونه می توان از تعاونی کردن لهستان نام برد. این کشور همچنین باید مسئله مسات حکومت با کلیسا را حل کند. لهستان با مسائل خاصی در زمینه رسید آگاهی سوسیالیستی مواجه است.

ما بعداً به تفصیل به بررسی این مسائل خواهیم پرداخت. بنابراین، با آنکه در حال حاضر یک ارزیابی انتقادی، مناسب و ضرور نظر می رسد، باید مراقب بود که گاهی اوقات انتقاد از کاستی های معین، بر روی دستاوردهای سترگ و برسی ناپذیر برده می کند. اگرچنین چیزی را اجازه دهیم، به دشمنان سوسیالیسم، دشمنان لهستان سوسیالیستی، کمک کرده ایم.

اعتصاب علیه که؟

به هنگام بررسی اعتصابات لهستان، باید بخاطر داشت که، با آنکه شماره اعتصاب کنندگان زیاد بود و خود اعتصابات مسائل جدی را باعث شد، اکثریت بزرگ ۱۵ میلیون کارگر لهستانی به اعتصابیون نیوستند. این واقعیت که اکثریت کارگران لهستانی به سرکار خود رفتند، زبان های اقتصادی را پس محدود ساخت و به نگهداشتن صلح داخلی کمک کرد.

باید توجه داشت که هر اعتصابی در جامعه سوسیالیستی در واقع نوعی تضاد است. در شرایط

در آغاز سخن میل دارم یادآور شوم که همه ما از دور شاهد رویدادهای لهستان هستیم و این ممکن است که داوری های ما رادریاره تحولات لهستان تحت تاثیر قرار دهد. از آنجا که تجربه و مسئولیت ساختمان سوسیالیسم را نداشته ایم. ملاحظاتی ما را باید ملاحظاتی حائزگرا نه از بیرون گود تلقی کرد. بررسی این تحولات از آن جهت ضرور و مهم بنظر می رسد که سرمایه داری ایالات متحده و سرمایه داری جهانی، بگونه ای بی سابقه به بهره برداری از آنها دست یازیده اند. رویدادهای اخیر لهستان توجه همه نیروهای ضد سوسیالیستی ایالات متحده و، در نتیجه، سراسر جهان را بخود جلب کرده است.

عناصر ارتجاعی و ضد سوسیالیستی برای آنکه تحولات لهستان را بعنوان مدرکی برای سدیگایی سوسیالیسم ارائه دهند، به اضافه کار دست زده اند. آنان برای آنکه "ثابت" بکنند، که نظام سوسیالیستی در لهستان بانگست مواجه شده است، دشواری های موجود این کشور را مستسک قرار داده اند و برای پیشبرد این هدف، از هرگونه تاکتیک، هر شکل "دروغ بزرگ" و هر فرصت برای اشاعه بهتان های خود بهره می جویند.

چارچوب تاریخی

علت توجه ما به رویدادهای لهستان کاملاً معکوس است. ما می دانیم که حقیقت و واقعیت حاکی از آنست که مسئله در خد خود نظام سوسیالیستی جستجو کرد. برعکس، این مسائل از برخی خطاها و نقاط ضعف رهبری ناشی می شود، که، به مضای، با اصول تحول سوسیالیستی مابیت دارد. نقاط ضعف و اشتباهات اجتناب پذیر رهبری لهستان را نباید به پای سوسیالیسم گذاشت، بلکه آنها را باید فرآورده شرایطی همای ساختمان سوسیالیسم در لهستان دانست.

برای درک رویدادهای لهستان نخست باید آنها را در چارچوب تاریخی درخور آنها قرار داد. در هیچ جامعه ای نمی توان کیفیت زندگی را جدا از حقوق بنیادی افراد آن جامعه سنجید.

در لهستان، از بیکاری انجری نیست. هر شهروند لهستانی، سد موجب قانون اساسی آن کشور، حق دارد که کار دلخواه خود را برگزید و هیچگاه این بیم را بدل راه نمی دهد که ماداً روزی بیکار شود. در لهستان، زحمتگشان در ازای کار برابر دستمزد برابر می ستانند و از فرصت برابر بهره مند می گردند. این تنها یکی از نتایج نابودی نژادپرستی، بویژه ضد بیودیت، در لهستان ماقبل سوسیالیستی است.

همه شهروندان لهستان از حق بازنشستی و معلولی بهره مند می شوند. مردان در سن ۶۰ سالگی و زنان در سن ۵۵ سالگی بازنشسته می گردند.

همه لهستانی ها از حق آموزش و بهداشتی رایگان بهره می برند. همه شهروندان لهستان از حق مسکن برخوردارند و تنها در حدود ۵ درصد درآمد خود را مصرف گزایه خانه می سازند. در اینجا نه از گرسنگی خیری است، نه از فقر و نه از محلات زاغه سین.

برای درک اهمیت این پدیده ها باید به یاد آورد که لهستان یکی از کشورهای بود که در جریان جنگ دوم جهانی تقریباً نابود شد. سد

نبرد کارگران و زحمتکشان ایران علیه تجاوز امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام تا پیروزی نهائی ادامه دارد



جمله کارگران هر ماه یک روز حقوق خود را به جبهه جنگ اختصاص داده‌اند.

کارگران به‌خاطر این که آمادگی رزمی داشته‌باشند، آموزش اسلحه می‌بینند.

تعدادی از کارگران منقضی خدمت سال ۵۶ و عسدهای نیز داوطلبانه به جبهه رفته‌اند. تا علیه تجاوزگران صدامی بجنگند. آن‌ها با هوشیاری آماده خنثی کردن تمام توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و دیگر دشمنان انقلاب هستند.

می‌رسانند، تا هرچه سریع‌تر دست متجاوزین به‌مبهن و انقلاب را قطع کنند. علاوه بر کارگران خوزستانی، کارگران و زحمتکشان دیگر نقاط کشور نیز هریک به نحوی به جبهه‌ها پاری می‌رسانند. این است مشت‌آزخروار:

اصفهان

کارکنان شرکت سابیر در اصفهان به‌خاطر دفاع از دستاوردهای انقلاب و پشتیبانی کامل از خط امام خمینی و کمک‌رسانی به مناطق جنگ‌زده، مبلغ ۱۱۸۹۶۱۴ ریال به بانک ملی ایران واریز کرده‌اند. آنها در نامه‌ای به همین منظور نوشته‌اند که: "ما این کمک مالی را در اختیار برادران و خواهرانی که بی‌خانمان شده‌اند و همچنین کسانی که جان بر کف، در سنگر مقدس‌مبهن، شبانه‌روز پوزه قوای دشمن تجاوزکار را به خاک می‌مالند، قرار می‌دهیم.

تهران

تا کنون عده‌ای از کارگران شرکت برق منطقه‌ای تهران، در چند نوبت، برای نبرد حق و باطل به جبهه‌های جنگ اعزام شده‌اند. همچنین عده‌ی زیادی برای رفتن به جبهه جنگ نام‌نویسی کرده‌اند، ولی مسئولین امر هر بار با اعزام پنج تا شش نفر از آنها موافقت می‌کنند. مسئولین شرکت برق منطقه‌ای معتقدند که چون داوطلبان بیشتر کارگران فنی هستند، نمی‌توان در یک نوبت همه آنها را به جبهه اعزام داشت، زیرا در کارها وقفه ایجاد می‌شود.

قائم‌شهر

کارگران کارخانه نساجی مازندران شماره ۳، هنگام دریافت سهمیه برنج سه ماهه دوم، هریک قسمتی از سهمیه خود را به جبهه‌های جنگ اختصاص داده‌اند. کارگران همچنین مبلغ پنجاه و پنج هزار و پانصد ریال وجه نقد و نیز هفتاد عدد کبسه خالی جهت ساختن سنگر جمع‌آوری کرده و به جبهه‌های جنگ ارسال کرده‌اند. ناگفته نماند که کارگران موفق شده‌اند با فعالیت بیشتر، سطح تولید را به میزان قابل توجهی افزایش دهند.

سمنان

کارگران نساجی سمنان با تمام وجود، آماده دفاع از وطن عزیز خود هستند. آنها می‌دانند که امروز امپریالیسم آمریکا بوسیله رژیم جنایتکار صدام به خاک مبهن تجاوز کرده است، تا انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را نابود سازد. کارگران نساجی سمنان که در گذشته با سرخستی و فداکاری علیه رژیم دیکتاتوری پهلوی مبارزه کرده‌اند، امروز نیز با تمام قدرت از انقلاب خود دفاع می‌کنند. از

کارگران کارخانه کاشی سعدی معتقدند:

باید در سنگر کارخانه، تولید را هر چه بیشتر بالا ببرند، تا آمریکای جهان‌خوار را شکست دهند

می‌کنند و هر روز غذای گرم در اختیار کارگران قرار می‌گیرد.

نحوه فروش

یکی از اقدامات مدیریت کارخانه، کارگران از آن پشتیبانی کرده‌اند، این است که، شرکت راسا دست‌به‌ایجاد فروشگاه برای فروش مستقیم کاشی به مصرف‌کنندگان زده‌است، تا از این راه بازاریاسه را بشکند و مانع از اجحاف به مصرف‌کنندگان شود.

سایر اقدامات

از زمان پیروزی انقلاب و خصوصاً بعد از ملی شدن کارخانه، کارگران و متخصصین کارخانه اقداماتی جهت خود کفایی و بی‌نیازی از کشورهای امپریالیستی آغاز کرده‌اند و تاکنون به موفقیت‌هایی هم دست یافته‌اند. به عنوان نمونه: یکی از وسایل ضروری و بسیار موردنیاز برای ساختن کاشی، وسیله‌ای است بنام "گاست"، که از خاک نسوز تهیه می‌شود و قبل از انقلاب به بهای گزاف هر عدد حدود پانصد ریال از خارج وارد می‌شد و دائماً می‌شکست. اکنون این وسیله در کارخانه با بهایی ارزان و جنس با دوام تهیه و مصرف می‌شود. برای ساختن رنگ و لعاب نیز اقداماتی در دست اجراست. ناگفته‌نماند که بیش از چهل نفر از کارگران کارخانه به جبهه جنگ اعزام شده‌اند. کارگران کارخانه کاشی سعدی همگی معتقدند که بایستی در سنگر کارخانه، تولید را هر چه بیشتر بالا ببرند، تا آمریکای جهان‌خوار را شکست دهند.

پیروزی‌های کارگران پر شور و انقلابی کاشی سعدی در مبارزه‌خستگی‌ناپذیر به‌خاطر دفاع از انقلاب و بر ضد شیطان بزرگ آمریکا و عمال آن، نمونه‌ای از نتایج مبارزه آگاهانه طبقه کارگر ایران است.

"شورای اسلامی کارگران کاشی سعدی" فعالیت علنی رسمی خود را آغاز کرد. پس از چندین، شورا ملی کردن کارخانه را در دستور روز خود قرار داد و در این مورد دست‌به‌تلاش‌خستگی‌ناپذیری زد. کارفرما، که با این عمل کارگران سخت مخالف بود، علیه کارگران مبارز دست به توطئه زد، به این ترتیب که برای بد نام کردن کارگران، به انواع حیلها مشتب شد و کارگران فعال کارخانه را "کمونیست"، "ملحد"، "منافق" و غیره نامید. کارفرما حتی بارها از کارگران به کمیته انقلاب اسلامی شهرری شکایت برد. ولی کارگران چون نمایندگان خود را به خوبی می‌شناختند، گول شجبه‌مازیبهای او را نخوردند.

دولت "گام به‌گام" لیبرال‌ها، با این‌که قانون ملی کردن شرکتها در تیرماه ۱۳۵۸ به تصویب شورای انقلاب رسیده بود، از ملی کردن کارخانه کاشی سعدی امتناع ورزید. شورای کارخانه بالاخره به تلاش بسیار توانست در پیمانه ۱۳۵۸ ملی کردن کارخانه را به دولت موقت بقبولاند.

پس از چندین کارگران متوجه شدند که مدیریت عامل انتصابی کارخانه سعی در تضعیف شورا دارد. او اعضای شورا را به "منافق" و "کمونیست" تقسیم کرده بود. گفتار و کردار او هر دو مغایر با شورا و اهداف انقلاب بود. به این جهت شورا خواستار برکناری مدیریت عامل شد. سرانجام در خردادماه ۵۹، مدیر عامل برکنار شد و به این ترتیب کارگران به پیروزی بزرگی نائل شدند.

امکانات رفاهی

کارگران هر سال دو بار لباس‌کار دریافت می‌کنند و یک بار هم تابحال کفش ایمنی دریافت کرده‌اند. کارگران همچنین از سلف سرویس کارخانه استفاده

کارخانه کاشی سعدی، در اوایل سال ۱۳۴۰، توسط برادران کاشانی اخوان در نزدیکی تهران تأسیس شد. تولید اصلی کارخانه، کاشی دیواری و کاشی کف است و در کنار آن ظروف سرامیکی نیز تولید می‌کند. ظرفیت تولید کارخانه بین هفتصد تا هشتصد هزار عدد کاشی در روز است. در شرایط کنونی تولید روزانه به پانصد هزار عدد در روز تقلیل یافته است.

تعداد کارکنان

مجموع کارگران و کارمندان کارخانه حدود هزار و سیصد نفرند، که عده‌ای از آن‌ها در دفتر مرکزی شرکت در تهران کار می‌کنند. حدود صد نفر از کارگران کارخانه زن هستند و حتی یکی از کارگران زن چنان‌کاری و فعال است، که یکی از سالن‌های تولید را بنام وی "کشورخانم" نام نهاده‌اند.

سوابق مبارزاتی کارخانه

کارگران کاشی سعدی سوابق مبارزاتی پر باری از سالیان گذشته با خود به همراه دارند. در اوایل سال ۱۳۵۰، کارگران دست‌به‌ایجاد سندیکای خود زدند. کارفرما از مسئولین سندیکا خواسته بود که با او همکاری کنند، ولی چون این خواست او مورد قبول اعضای سندیکا قرار نگرفت، تعداد شصت نفر از فعالین سندیکا از کارخانه اخراج شدند. این عمل کارفرما با مقاومت کارگران روبرو شد و او مجبور به پذیرش عده‌ای از آن‌ها شد، لیکن از این بابت لطامت مادی بسیاری نصیب کارگران مبارز شد. در کارخانه کاشی سعدی، از زمان اوج‌گیری انقلاب، نطفه‌های تشکل کارگران بسته شد و در طول اعتصاب‌های سراسری کارگران، کاملاً شکل گرفت. در اولین روزهای پس از پیروزی انقلاب،

تاکسیرانان سندج عناصر ضد انقلاب را از سندیکا طرد می‌کنند

تاکسیرانان سندج در چند گردهمایی اخیر خود، تصمیم‌هایی برای بهبود وضع سندیکای خود و طرد ضدانقلاب گرفتند. سندیکای تاکسیرانان سندج، که دارای ۱۷۰ عضو است پیش از انقلاب تشکیل شد. تاکسیرانان در چند گردهمایی که داشتند، تصمیم‌هایی برای انتخاب هیئت مدیره جدید گرفتند. همچنین برای اخذ کمک مالی جهت تشکیل فروشگاه تعاونی مصرف تعاونی لوازم یدکی واحداث تعمیرگاه تاکسی، تماسهایی با استاندار کردستان گرفتند. البته این طرح به‌خاطر شرایط اضطراری فعلی به تعویق افتاده است.

از کارهای مهم سندیکای واگذا ر کردن شماره‌های جدید تاکسی به افراد واجد شرایط است.

- ۱- طرد عناصر فاسد و ضد انقلاب از هیئت مدیره و صنف تاکسیرانان،
- ۲- انجام انتخابات جدید برای برگزیدن هیئت مدیره فعال و انقلابی،
- ۳- تشکیل تعاونی مصرف، فروشگاه لوازم یدکی و احداث تعمیرگاه تاکسی برای کوتاه کردن دست واسطه‌ها و عناصر سودجو،
- ۴- اقدامات سندیکای تاکسیرانان سندج برای طرد عناصر فاسد و ضد انقلاب و برگزیدن هیئت مدیره انقلابی امری است مثبت و قابل توجه که می‌تواند الگویی برای دیگر زحمتکشان کردستان باشد، تا بتوانند با طرد عناصر ضد انقلاب، انقلاب و دستاوردهای آن را تحکیم بخشند و بسهم خویش زمینه مناسب را برای بدست آوردن حق خودگردانی و تأمین صلح در کردستان ایجاد کنند.

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از مبهن انقلابی دفاع کنید!

توجه به دهات و کشاورزی استان خوزستان اهمیت اقتصادی و سیاسی دارد

نفر تشکیل می شود و تا به حال توانسته است با کمیته ارزاق شهر رابطه برقرار کند و به علاوه در صد است که برای دفاع از حقوق غصب شده دهقانان این روستا اقدام کند.

در ارتباط با جنگ تحمیلی رژیم صدام، یکی از روستائیان به نام نور محمد می گفت:

"با وجودی که زن و بچه دارم و فقط با چند گوسفند زندگی را می گذرانم، حاضرم برای دفاع از میهن و نابودی آمریکا به جبهه بروم."

در این سه قریه، که منطقه زراعی موسوم به قلعه رئیس تقی را تشکیل می دهند (جمعاً ۵۴ خیش)، قبلاً بزرگ مالکی حاکم بوده است، ولی هم اکنون زمینها به سه دسته ۱۸ خیشی تقسیم می شود، که به هر دسته اصطلاحاً یک کتله می گویند. حداکثر زمین متعلق به یک نفر از اهالی بهبهانی است (۶ خیش) و یک کشاورز شهری دیگر که ۴ خیش دارد.

در اثر اصلاحات ارضی کذایی رژیم گذشته، عده ای از کشاورزان این منطقه بی زمین مانده یا کم زمین (کمتر از یک خیش) مانده اند، که اکثریت اهالی اند.

زمینهای منطقه تماماً آبی است که سابقاً با لارویی قناتها به وسیله خود روستائیان، آب به مقدار کافی به زمین می رسیده و انواع محصولات می کاشته اند. ولی پس از اصلاحات ساهانه! و عدم کمک دولت طاغوت در امر بازسازی قنات و تضمین خرید محصولات آنها، اغلب دهقانان زمینها را رها کرده و برای یافتن کار به گویت رفته اند.

پس از پیروزی انقلاب، در سال گذشته، به کمک جهاد سازندگی قنات و جوی آنرا لارویی کردند، ولی به علت نزدیک بودن به کناره های رودخانه، سیلاب آنرا خراب کرد و قسمت عظیم آنرا آب برد.

امسال به کمک جهاد سازندگی و فرمانداری نهر جدیدی به فاصله دورتری از رودخانه برای آنها تهیه می شود، که در حال حاضر مشغول آن هستند و هم اکنون یک لودر و یک بیل اطلس با عده ای از کشاورزان، که نوبتی در آن کار می کنند، احداث نهر جدید را ادامه می دهند. متأسفانه تعبیه درب آهنی و سیمان کاری، به علت دیر شروع کردن، امسال به پایان نمی رسد، چون موقع کشت پاییزه رو به اتمام است. یکی از کشاورزان می گفت: "ما نمی توانیم با دلگرمی کار کنیم. چرا من که کمتر از یک خیش زراعتی دارم این همه روی این جوی کار کنم. بعداً استفاده اش را کس دیگری ببرد که ۶ خیش دارد. اگر حق ما را بدهند خودمان می توانیم قنات و جوی را درست کنیم و به کشت و کار بپردازیم و آنوقت خیلی هم خوب آب به زمین خواهد رسید."

روستائیان از مسئولین جمهوری اسلامی انتظار دارند که اصلاحات ارضی عادلانه انجام گیرد، با توجه به سوابق و سنتها، کشت مساع و شکل تعاونی کار تشویق شود و حقوق حقه دهقانان به آنها داده شود. به علاوه با تضمین و تعیین عادلانه نرخ خرید محصولات و کمکهای فنی، آنها را دلگرم و امیدوار سازند.

لشکر تجار و زکار رژیم جنایتکار صدام استان خوزستان را هدف حملات خود قرار داده است. دهات بسیاری ویران شده و دهات دیگری از سکنه خالی گردیده است. برخی دهات پذیرای هموطنان آواره خود شده اند، که از دهات جنگ زده آمده اند. در شرایط مقاومت علیه توطئه آمریکا و برای سرکوب همه دسایس کنونی و آینده آن، اهمیت اقتصادی و سیاسی زیادی دارد که دهات خوزستان نوسازی شوند، از ثمرات انقلاب بهره مند گردند و اقتصاد کشاورزی روستاهای استان پایگیرد، احیا و شکوفان شود.

از این نظر شناخت وضع این روستاها و درک مسائل و مشکلات آنها برای همه جانبداران خط امام و نهادهای انقلابی ضرور است. گزارشی را که از قلعه رئیس تقی، واقع در شهرستان بهبهان رسیده، در شماره امروز نامه "مردم" چاپ می کنیم:

زمینهای زراعی این منطقه زراعتی ۵۴ خیش است (هر خیش معادل ۸۰۰ کیلوگرم گندم تخم انداز). روستائیان سه قریه رئیس تقی، چهار آسیاب و خارستان در این زمینها کار می کنند. زمینها از آب پریرکت رودخانه مارون مشروب می شوند. مسیر قنات و جوی آب از کنار روستای خارستان می گذرد و سپس به قریه رئیس تقی و بالاخره به چهار آسیاب می رسد.

وضع هر یک از این دهات به قرار زیرین است:

روستای خارستان: مرکب از دو قسمت به اسمی خارستان علیا و خارستان سفلی و جمعیت آن حدود ۳۰ خانوار است، که اخیراً دو خانواده از مناطق جنگ زده به آنها اضافه شده اند.

ده فاقد آب لوله کشی، برق، حمام و درمانگاه است، ولی یک دبستان ۵ کلاسه با ۳۰ دانش آموز دارد. دهقانانی که کمتر از یک خیش دارند، در فقر زندگی می کنند. این ده دارای ۴ باغ خرما است، که مجموعاً ۸۰۰ اصله خرما دارد و متعلق به اهالی ده است. حدود ۸ نفر از روستا خیش و زراعت خود را رها کرده و یا در شهر سکنی گزیده اند و روزمزدی کار می کنند، یا این که در حاشیه رودخانه، ماسه برای ماشینهای کمبری جمع می کنند، که مزد ناچیزی می گیرند. اینها زمینهای خود را به افراد بی زمین اجاره می دهند.

یکی از دهقانان ابراز عقیده می کرد که: "آن تعداد از کشاورزان که در شهر هستند و کسب و کار ثابت دارند، زمینهایشان را به جوانان بی زمین و کم زمین ده بدهند که مجبورند به کارهای غیر زراعتی، مثل ماسه بار کردن بپردازند."

دامداری در این قریه وجود ندارد. فقط هر خانواده دو سه گاو دارد، که مقداری از هزینه زندگی خود را با پرورش آن به دست می آورند.

ده دارای یک شورای ۵ نفره است، که با نظارت سپاه پاسداران و با انتخاب آزاد اهالی ده ایجاد گردیده (۳ نفر از اهالی خارستان سفلی و ۲ نفر از خارستان علیا)، ولی متأسفانه شورا هنوز درست به وظایف خود آشنا نیست و از همین رو فعالیت قابل توجهی ندارد. اما شورا توانسته است با کمیته ارزاق بهبهان ارتباط برقرار کند و مقدار کمی از ارزاق و مایحتاج روستائیان را تهیه کند. به کمک روحانیت مبارز و جهاد و اداره کشاورزی و فرمانداری، برای یک خانواده خوش نشین این روستا خانه ای در ده ساخته شده، که ساختمان آن نزدیک به اتمام است. زن خانواده می گوید:

"از بس که به بهبهان برای اتمام این خانه رفتم و به نهادهای گوناگون سر زدم، مرضی شده ام." اهالی این روستا خواستار اتحاد تمام نیروهایی هستند که از

روستای خارستان: مرکب از دو قسمت به اسمی خارستان علیا و خارستان سفلی و جمعیت آن حدود ۳۰ خانوار است، که اخیراً دو خانواده از مناطق جنگ زده به آنها اضافه شده اند. ده فاقد آب لوله کشی، برق، حمام و درمانگاه است، ولی یک دبستان ۵ کلاسه با ۳۰ دانش آموز دارد. دهقانانی که کمتر از یک خیش دارند، در فقر زندگی می کنند. این ده دارای ۴ باغ خرما است، که مجموعاً ۸۰۰ اصله خرما دارد و متعلق به اهالی ده است. حدود ۸ نفر از روستا خیش و زراعت خود را رها کرده و یا در شهر سکنی گزیده اند و روزمزدی کار می کنند، یا این که در حاشیه رودخانه، ماسه برای ماشینهای کمبری جمع می کنند، که مزد ناچیزی می گیرند. اینها زمینهای خود را به افراد بی زمین اجاره می دهند.

یکی از دهقانان ابراز عقیده می کرد که: "آن تعداد از کشاورزان که در شهر هستند و کسب و کار ثابت دارند، زمینهایشان را به جوانان بی زمین و کم زمین ده بدهند که مجبورند به کارهای غیر زراعتی، مثل ماسه بار کردن بپردازند."

دامداری در این قریه وجود ندارد. فقط هر خانواده دو سه گاو دارد، که مقداری از هزینه زندگی خود را با پرورش آن به دست می آورند.

ده دارای یک شورای ۵ نفره است، که با نظارت سپاه پاسداران و با انتخاب آزاد اهالی ده ایجاد گردیده (۳ نفر از اهالی خارستان سفلی و ۲ نفر از خارستان علیا)، ولی متأسفانه شورا هنوز درست به وظایف خود آشنا نیست و از همین رو فعالیت قابل توجهی ندارد. اما شورا توانسته است با کمیته ارزاق بهبهان ارتباط برقرار کند و مقدار کمی از ارزاق و مایحتاج روستائیان را تهیه کند. به کمک روحانیت مبارز و جهاد و اداره کشاورزی و فرمانداری، برای یک خانواده خوش نشین این روستا خانه ای در ده ساخته شده، که ساختمان آن نزدیک به اتمام است. زن خانواده می گوید:

"از بس که به بهبهان برای اتمام این خانه رفتم و به نهادهای گوناگون سر زدم، مرضی شده ام." اهالی این روستا خواستار اتحاد تمام نیروهایی هستند که از

روستای خارستان: مرکب از دو قسمت به اسمی خارستان علیا و خارستان سفلی و جمعیت آن حدود ۳۰ خانوار است، که اخیراً دو خانواده از مناطق جنگ زده به آنها اضافه شده اند. ده فاقد آب لوله کشی، برق، حمام و درمانگاه است، ولی یک دبستان ۵ کلاسه با ۳۰ دانش آموز دارد. دهقانانی که کمتر از یک خیش دارند، در فقر زندگی می کنند. این ده دارای ۴ باغ خرما است، که مجموعاً ۸۰۰ اصله خرما دارد و متعلق به اهالی ده است. حدود ۸ نفر از روستا خیش و زراعت خود را رها کرده و یا در شهر سکنی گزیده اند و روزمزدی کار می کنند، یا این که در حاشیه رودخانه، ماسه برای ماشینهای کمبری جمع می کنند، که مزد ناچیزی می گیرند. اینها زمینهای خود را به افراد بی زمین اجاره می دهند.

یکی از دهقانان ابراز عقیده می کرد که: "آن تعداد از کشاورزان که در شهر هستند و کسب و کار ثابت دارند، زمینهایشان را به جوانان بی زمین و کم زمین ده بدهند که مجبورند به کارهای غیر زراعتی، مثل ماسه بار کردن بپردازند."

دامداری در این قریه وجود ندارد. فقط هر خانواده دو سه گاو دارد، که مقداری از هزینه زندگی خود را با پرورش آن به دست می آورند.

ده دارای یک شورای ۵ نفره است، که با نظارت سپاه پاسداران و با انتخاب آزاد اهالی ده ایجاد گردیده (۳ نفر از اهالی خارستان سفلی و ۲ نفر از خارستان علیا)، ولی متأسفانه شورا هنوز درست به وظایف خود آشنا نیست و از همین رو فعالیت قابل توجهی ندارد. اما شورا توانسته است با کمیته ارزاق بهبهان ارتباط برقرار کند و مقدار کمی از ارزاق و مایحتاج روستائیان را تهیه کند. به کمک روحانیت مبارز و جهاد و اداره کشاورزی و فرمانداری، برای یک خانواده خوش نشین این روستا خانه ای در ده ساخته شده، که ساختمان آن نزدیک به اتمام است. زن خانواده می گوید:

"از بس که به بهبهان برای اتمام این خانه رفتم و به نهادهای گوناگون سر زدم، مرضی شده ام." اهالی این روستا خواستار اتحاد تمام نیروهایی هستند که از

روستای خارستان: مرکب از دو قسمت به اسمی خارستان علیا و خارستان سفلی و جمعیت آن حدود ۳۰ خانوار است، که اخیراً دو خانواده از مناطق جنگ زده به آنها اضافه شده اند. ده فاقد آب لوله کشی، برق، حمام و درمانگاه است، ولی یک دبستان ۵ کلاسه با ۳۰ دانش آموز دارد. دهقانانی که کمتر از یک خیش دارند، در فقر زندگی می کنند. این ده دارای ۴ باغ خرما است، که مجموعاً ۸۰۰ اصله خرما دارد و متعلق به اهالی ده است. حدود ۸ نفر از روستا خیش و زراعت خود را رها کرده و یا در شهر سکنی گزیده اند و روزمزدی کار می کنند، یا این که در حاشیه رودخانه، ماسه برای ماشینهای کمبری جمع می کنند، که مزد ناچیزی می گیرند. اینها زمینهای خود را به افراد بی زمین اجاره می دهند.

یکی از دهقانان ابراز عقیده می کرد که: "آن تعداد از کشاورزان که در شهر هستند و کسب و کار ثابت دارند، زمینهایشان را به جوانان بی زمین و کم زمین ده بدهند که مجبورند به کارهای غیر زراعتی، مثل ماسه بار کردن بپردازند."

دامداری در این قریه وجود ندارد. فقط هر خانواده دو سه گاو دارد، که مقداری از هزینه زندگی خود را با پرورش آن به دست می آورند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خرامه یار و یاور مستضعفان

خرامه، که مرکز بخش منطقه کربل (استان فارس) است، حدود ۱۵۰۰۰ هزار نفر جمعیت دارد. این جمعیت را اقشار مختلف تشکیل می دهند:

- ۱- سرمایه داران بزرگ، که اغلب از سلف خران تشکیل شده اند.
- ۲- کارگران روزمزد، که بیشتر در کوره پزخانه ها کار می کنند.
- ۳- کشاورزان، که اکثریت آنها بی زمین و کم زمین هستند.

سرمایه داران، که بیشتر منافعیان از منطقه برنج خیز کربل تا مین می شود، با خریدن برنج "شلتوک" بطور سلف، کل محصول برنج کربل را بفراغت می برند و در انبارها گاهی که در خرامه ساخته اند، جمع آوری می کنند. بخشی از این محصول را آنها در شهرهای جنوبی ایران و بیجا در فروش می رسانند و بخش دیگرش را از صورت شلتوک، در برنج کوبی - های خرامه، به برنج تبدیل می کنند و بین کارگران روزمزد و کوره پزخانه ها به قیمت گزافی می فروشند.

برای مقابله با این غارتگران، نهادهای انقلابی کمک بزرگی به دهقانان می کنند. سپاه پاسداران و جهاد سازندگی، این نهادهایی که از درون انقلاب بیرون آمدند، خدمات ارزنده ای به محرومین و مستضعفان سراسر جوامع ما و منجمله دهقانان خرامه کرده اند. یکی از این خدمات بزرگ و ستایش انگیز سپاهیان پاسداران انقلاب اسلامی خرامه این است که، تمام محصولات را که بطور سلف در انبارهای خرامه جمع - آوری شده، بصورت برداری و صاحبان آنها را مشخص کرده اند و نمی گذارند که محصول بدون برنامه از شهر خارج شود و بدست غارتگرانی بیفتد که در صفا انقلاب قرار دارند. دوم اینکه، از شلتوک به برنج تبدیل می شود، ۱۰٪ آنرا بر می دارند و به نرخ عادلانه منی (۳/۵ کیلو) ۳۳۰ ریال بین مستضعفان به فروش می رسانند، در صورتیکه نرخ برنج، در بازار آزاد، منی ۵۵۰ الی ۶۰۰ ریال بفروش می رسد. این عمل گامی بزرگ در تحکیم دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است و توده های میلیونی زحمتکش را در برابر بر تمام توطئه های داخلی و امپریالیسم آمریکا همچون کوهی استوار نگه میدارد.

درد دل روستائیان «پانگری» همداری به نهادها و مسئولین دلسوز

با چند نفر از خوش نشینان روستای "پانگری" در منطقه کا مفیروز، که به شهر آمده اند، به صحبت می نشینیم و از مشکلات آنها می پرسیم. آنها می گویند که روستای "پانگری" حدود ۵۰ خانوار رزاع دارد، خوش نشینها می گویند: "ما سال اجاره مالک را که پرداختیم تقریباً هیچ چیز برای خودمان باقی نماند. آنها با حسرت ادامه می دهند: "اگر ما هم مثل اهالی "خالویی" متحد شده بودیم، میتوانستیم اجاره مالک غاصب را نپردازیم، گرچه مالک های روستای ما شهری نیستند و در محل زندگی می کنند و فشار بیشتری بر ما وارد می کنند."

متأسفانه بیعتی اشتباهاتی که شده، این زحمتکش نسبت به نقش شورا و کار هیئت نظری بدبین شد - اند. آنها می گویند: "شورا تشکیل شد، ولی چون کسانی که حرف ما را بزنند در آن وجود نداشتند و انتخابات هم با رای گیری مستقیم از ما انجام نشد، ما خودمان شورا را بهم زدیم. آنها با تأسف می گویند: "ما اتحادی به دهقانان عزیز نیاید اهمیت کار شورا را از یاد ببرند. آنها باید توجه داشته باشند که در جاهایی که شورا های مردمی تشکیل شده، کارهای زیادی برای مردم به انجام شده است، دهقانان

مناصفانه بیعتی اشتباهاتی که شده، این زحمتکش نسبت به نقش شورا و کار هیئت نظری بدبین شد - اند. آنها می گویند: "شورا تشکیل شد، ولی چون کسانی که حرف ما را بزنند در آن وجود نداشتند و انتخابات هم با رای گیری مستقیم از ما انجام نشد، ما خودمان شورا را بهم زدیم. آنها با تأسف می گویند: "ما اتحادی به دهقانان عزیز نیاید اهمیت کار شورا را از یاد ببرند. آنها باید توجه داشته باشند که در جاهایی که شورا های مردمی تشکیل شده، کارهای زیادی برای مردم به انجام شده است، دهقانان

مناصفانه بیعتی اشتباهاتی که شده، این زحمتکش نسبت به نقش شورا و کار هیئت نظری بدبین شد - اند. آنها می گویند: "شورا تشکیل شد، ولی چون کسانی که حرف ما را بزنند در آن وجود نداشتند و انتخابات هم با رای گیری مستقیم از ما انجام نشد، ما خودمان شورا را بهم زدیم. آنها با تأسف می گویند: "ما اتحادی به دهقانان عزیز نیاید اهمیت کار شورا را از یاد ببرند. آنها باید توجه داشته باشند که در جاهایی که شورا های مردمی تشکیل شده، کارهای زیادی برای مردم به انجام شده است، دهقانان

مناصفانه بیعتی اشتباهاتی که شده، این زحمتکش نسبت به نقش شورا و کار هیئت نظری بدبین شد - اند. آنها می گویند: "شورا تشکیل شد، ولی چون کسانی که حرف ما را بزنند در آن وجود نداشتند و انتخابات هم با رای گیری مستقیم از ما انجام نشد، ما خودمان شورا را بهم زدیم. آنها با تأسف می گویند: "ما اتحادی به دهقانان عزیز نیاید اهمیت کار شورا را از یاد ببرند. آنها باید توجه داشته باشند که در جاهایی که شورا های مردمی تشکیل شده، کارهای زیادی برای مردم به انجام شده است، دهقانان

اقدام انقلابی سپاه پاسداران نپاوند مورد تأیید قرار گرفت

مربع وسعت دارد. این منزل فعلاً مقر سپاه پاسداران نپاوند است. این عمل انقلابی از جانب هواداران خط امام و گروه های انقلابی در نپاوند مورد تأیید قرار گرفت. به علاوه، دانش آموزان جمعی از مردم، اقدام به راهپیمایی کردند و در ضمن راهپیمایی شعارهایی علیه سرمایه داران و فئودال می دادند.

امام خمینی: حقوق مردم محروم، که عمری است مالکین و سرمایه داران بزرگ خورده اند، به محرومین باز پس داده می شود.

نظام بردگی در آفریقای جنوبی

یک سال است که رشته تظاهرات و اعتصابات دانش آموزان سیاه پوست در آفریقای جنوبی گسسته نمی شود. تاکنون صدها هزار نفر در این اعتراضات شرکت کرده، هزاران تن از سوی پلیس

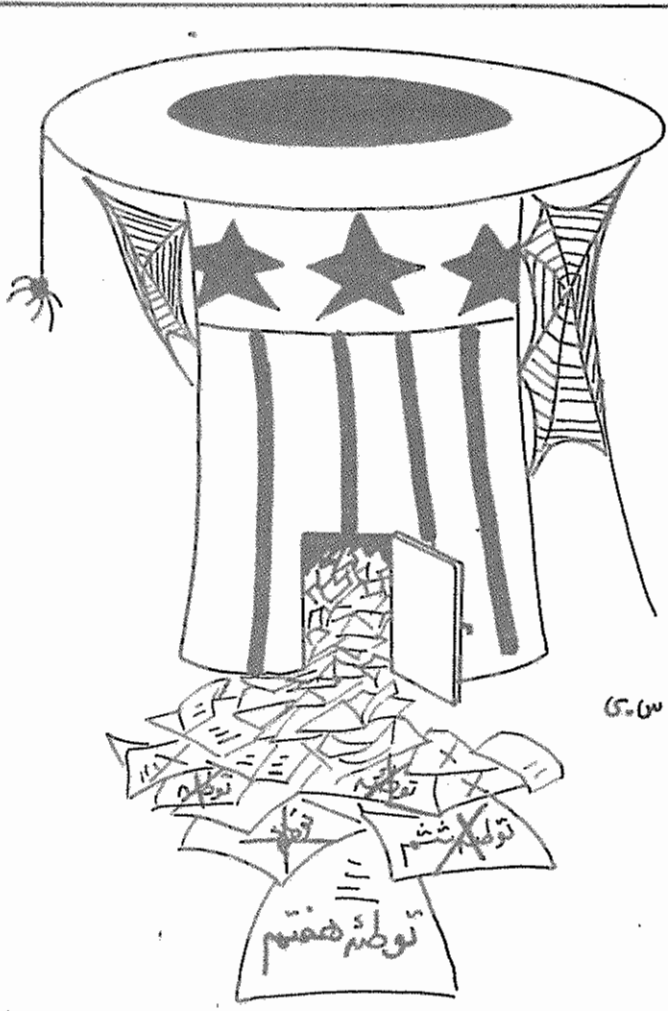
ایارتید می رزمند، یکی از دانش آموزان "کیپ تاون" پاسخ داد: "چون نمی خواهیم انسان های درجه دو و سه باشیم!" واقعات زیر نشان می دهد که



کوچک ترین مقاومت در برابر برده داران آفریقای جنوبی، با سرکوب وحشیانه روبرو می شود.

بوئا دستگیر و با معدوم گردیده و صدها نفر به هلاکت رسیده اند. در برابر این پرسش که: چرا از رستاخیز "سووتو"، در سال ۱۳۵۴، تاکنون این همه نوجوان و حتی کودک در صفوف پیشاپیش علیه

کودکان سیاه پوست در آفریقای جنوبی بیش از همه از سیستم سرکوب آپارتید رنج می برند: * از نزدیک به ۲۸ میلیون شهروند آفریقای جنوبی، تنها ۴/۴



میلیون نفر سفید پوست هستند. اما دولت بوئا برای دانش آموزان سفید - پوست ده برابر دانش آموزان سیاه - پوست خرج می کند.

* گزارشی که چندین پیش به "کمسیون حقوق بشر" ارائه شد، نشان می دهد که کودکان غیر سفید پوست به گونه های غیر انسانی استثمار می شوند. هزاران تن از کودکان کارگران روستایی مجبورند در شرایط بردگی در مزارع سفید پوستان کار کنند.

* در بانتوستان ها، که نزدیک به نیمی از آفریقای جنوبی های سیاه پوست در آن ها مجبور به زندگی هستند، یک - پنجم کودکان، پیش از آن که یک ساله شوند، فوت می کنند. بدین ترتیب، نرخ مرگ و میر کودکان سیاه پوست ۱۳ برابر بیکره، همانند برای کودکان سفید پوست است.

در بانتوستان ها پنجاه هزار تا صد هزار تن فقط از یک پزشک بهره مند می شوند.

اهالی بانتوستان ها در فقری دهشتناک بسر می برند. هر خشکالی

به مرگ عده ای بی شمار، بویژه نو - جوانان، می انجامد. کارشناسان پیش بینی می کنند که زمستان امسال (تابستان ما) در آفریقای جنوبی بیش از ۵۰ هزار کودک بر اثر سرما درگذشتند.

در جلسه ای با شرکت مبارزان آمریکائی و مکزیکی:

هواداران حزب توده ایران در آمریکا توطئه های آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را محکوم کردند

در جلسه ای که بعد عوت هواداران حزب توده ایران در آمریکا ترتیب یافت، توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و تجاوز نظامی رژیم صدام حسین برای دوستان آمریکایی انقلاب ایران تشریح شد.

این گردهمایی روز ۲۴ آبان ۵۹ در یکی از سالنهای دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در لوس آنجلس برگزار شد. سالن مزبور با عکسهای از امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، شهدای راه استقلال و آزادی ایران، خسرو روزبه بر حکمت جو، گل سرخی و چند شهید دیگر و همچنین با شعارهای:

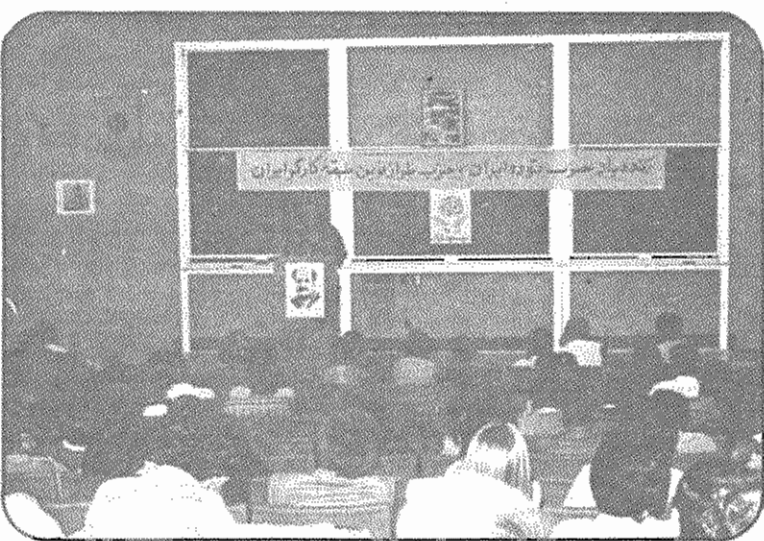
"زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!"

"مرگ بر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!"

"برقرار باد جبهه متحد خلق!"

تزیین شده بود. مراسم در ساعت هفت و پانزده دقیقه بعد از ظهر، با سرود حزب توده ایران، آغاز شد.

اولین سخنران برنامه، که از دوستان سیاه پوست بود، به نمایندگی از "اتحادیه ملی علیه نژادپرستی و فشار سیاسی"، درباره پیوند مبارزات مردم ایران و مستکشان آمریکا، اثرات انقلاب ایران بر سیاه پوستان آمریکا و پشتیبانی آنان از امام خمینی و نژادپرستی در آمریکا صحبت کرد. وی در پایان سخنانش، همبستگی این سازمان را با انقلاب ایران و دانشجویان مترقی ایرانی در کالیفرنیا ابراز داشت.



همبستگی کرد. آخرین سخنران که، رفیقسی از هواداران حزب توده ایران بود، درباره اهمیت انقلاب ایران، دساین امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب، تجاوز رژیم جنایتکار صدام به ایران و شرکت اعضا و هواداران حزب توده ایران در جنگ مقاومت علیه تجاوز - گران صدامی و شهدای حزب در این جنگ صحبت کرد.

در این هنگام به مناسبت بزرگداشت همه شهدای جنگ یک دقیقه سکوت اعلام شد، و از رفیق شهید، عسکر دانش شریعت پناهی و سایر رفقای شهید حزبی و همه شهدای جنگ تحلیل بعمل آمد.

اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید!

در مطبوعات کشور

بعضی ها برای اینکه جای سرمایه داران وابسته به دربار را بگیرند، با شاه و دربار به مبارزه برخاستند

هرچه بیشتر زمان می گذرد، آشکارتر می شود که نخیر بعضی ها هم برای سرنگونی شاه کمک نکردند تا سبط و عدالت علی گونه برقرار شود، بلکه مخالفان و مبارزانشان (اگر توان پول خرج کردن را مبارزه های همای از جان مایه گذاردن به حساب آورد) از موضع و انگیزه های جداگانه انجام گرفته است. یعنی آنها به این دلیل با شاه مبارزه کردند تا او و باند او را متلاشی کنند، چون شاه و اعیان و انصارش همه را خود می زدند و به جنب می زدند و این مبارزان!! نیمه راه نگران بودند که چرا سهم کمتری دارند. از این نظر منافع شان در این بود که شاه مدفون را از میدان بدر کنند، تا خود بتوانند میدان سی رقیب را برای همان اقدامات و عمل شاهانه قبضه کنند. بنابراین بدیش اینها به عنوان انقلابی و حامی انقلاب از روی ساده اندیشی و خوش باوری است. اینکه می گوئیم قیام و مبارزه اینها بر علیه شاه معدوم برای جباول مردم بوده یک ادعا است، بلکه واقعیتی است که از لایلای اخبار بی دربی از شرایط بازار و قیمت ها و نرخ ها به دست

می آید. راستی اگر این بزرگ سرمایه داران و تجار جلیل القدر بازار و عمده فروشان به خاطر بیروزی انقلاب اسلامی ایثار و فداکاری کردند، چرا حالا با گران فروشی و احتکار و سانتاز در توزیع مایحتاج این همه مردم و طبقات زحمتکش را با اعمال خود از انقلاب می گریزانند؟ و شرایط رشد ضد انقلاب را هرچه بیشتر فراهم می کنند؟ چرا در شرایطی که فرزندان وطن اعم از پاسدار و ارتشی و بسیج و غیره، در جبهه های جنگ با متجاوز خارجی، همه وجود خود را نثار می کنند، گروهی در پشت جبهه از شرایط همین جنگ سوء استفاده کرده و برای گران فروشی و احتکار بیشتر منتهای سوء استفاده را می نمایند؟ کثرت این موارد سوء استفاده همه و همه نشان می دهد که این تجاوزگران به حقوق عمومی نه بخاطر اسلام و قسط و عدالت و نظایر این ها، بلکه صرفا به خاطر این که بتوانند جای امثال سرمایه داران وابسته به دربار را بگیرند با شاه و دربار به مبارزه برخاستند. (اطلاعات - ۲۹ آذر ۵۹)

ضرورت اجرای قوری اصل ملی کردن تجارت بازرگانی خارجی

حکومت اسلامی باید دست دسودجو، «غارتگر» و به گفته قرآن «آکل باللسحت» را از منافع و منابع مردم، قطع کند. همان گونه که امام در کتاب «ولایت فقیه» میگویند - و در ابتدا نقل شد - حرام خواری و سودجویی منحصر به مورد مشهور و پیش پا افتاده «بقال سر کوچه» نیست، بلکه سرمایه داران بزرگ و شبکه های پیچیده امور مالی، حرام خواری واقعی و ریشه دار کنونی اند، که امروز با ترقی علم و صنعت و تکنولوژی، که همگی در اختیار این صاحبان سرمایه و قدرت هستند، حقوق

پیروی این اندیشه، ضمن اصل ۴۴، علاوه بر اینکه کلیه صنایع بزرگ معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، شبکه های بزرگ آب - رسانی، پست و تلگراف و... را در «مالکیت عمومی» قرار میدهد، «تجارت خارجی» را نیز ملی کرده و در مالکیت عموم قرار داده است. (پیام انقلاب، ارگان سیاه پاسداران - ۱۲ آذر ۱۳۵۹)

از: شرف

همواره چنین بادا!

این شور که در خاک است
همواره چنین بادا!
ایمان فروزان
این خلق که می‌رزد
افزوتی ازین بادا!
با لشکر دیو داد
با شور بیرون از حد
پیوسته قرین بادا!
ای خفته بفاک و خون
در تپه و در هامون
آن پیکره گلگون
گلزار زمین بادا!
رزمه سده آزادی
هر چند که خون دادی
مردی تو ولی شادی
خشم تو حزن بادا!
خلق همه کوش ما
شد دوش بدوش ما
فریاد و خروش ما
پرچم برین بادا!
ای توده مستضعف
پیکار منه از کف
با دشمن صف در صف
چشم به کمین بادا!
عالم شده پر غوغا
زین جنبش بی همتا
این کوشش و کار ما
همواره همین بادا!
اول دیماه ۱۳۵۹

ضد انقلاب رشت را به آشوب و زد و خورد کشاند

* در زد و خورد های روز یکشنبه گذشته رشت ۴۸ نفر مجروح شدند.
* حزب توده ایران تشنج و درگیری رشت را که عوامل مشکوک و ناساناس آنرا برانگیختند عملاً بسود ضد انقلاب می‌داند و آنرا محکوم میکند.

در شرایط حساسی که امپریالیسم آمریکا در آستانه اجرای توطئه هفتم خود علیه انقلاب ایران است و عمل داخلی آن در تدارک زمینه‌چینی برای اجرای این توطئه هستند، بدنبال به قتل رسیدن یکی از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران در رشت توسط افراد مشکوک، یکشنبه گذشته (پیرروز) این شهر به آشوب کشیده شد.

بر اساس گزارش خبرنگاران نامه «مردم» از رشت ظهر روز شنبه ۱۳ دیماه، گروهی از افراد مشکوک که خود را «جوانان مسلمان بهارآباد» معرفی می‌کردند در خیابان تختی رشت به جوانی که روزنامه «مجاهد» می‌فروخت حمله کردند و او را که «بهرام فرحناک» نام داشت با ضربات دشنه مجروح کردند. پدر مجروح او را به بیمارستان پورسینای رشت رساند.

اما متأسفانه معالجات فایده‌ای نبخشید و مجروح ساعتی بعد جان سپرد. با اعلام خبر درگذشت «بهرام فرحناک» هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران که در مقابل بیمارستان اجتماع کرده بودند با صدور اعلامیه‌ای ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۱۴ دیماه را برای تشییع جنازه تعیین کردند.

پس از حمل جنازه، تشییع کنندگان و افراد مشکوک در دو طرف خیابان در مقابل هم صف بندی کردند و به پرتاب سنگ و یکدیگر پرداختند. در این میان افراد ناشناسی از هر دو طرف به طرف مقابل تیراندازی کردند. ساعتی بعد دو طرف درگیر با وسایل مختلف در خیابان راه‌انداز شدند و سنگ پرتاب شدت گرفت. سرانجام در ساعت ۲ بعد از ظهر با مداخله سپاه پاسداران به درگیری پایان داده شد.

بر اساس اطلاعات رسیده در این درگیری بیشتر از ۴۸ نفر مجروح و مصدوم شده‌اند که آنها را به بیمارستان منتقل کرده‌اند. حزب توده ایران ضمن محکوم دولت شعارش، برنامه‌اش عبارت است از پشتیبانی از مستضعفان، جلوگیری از مترقان و پشتیبانی از نهادهای انقلابی، شمانیزه‌هوشیار باشید، هم‌جا، در همه شرایط ما پشتیبان مستضعفان جهان هستیم، مانع‌گذاریم مترقین و پرخورها جامعه ما را به جامعه مصرفی دوران شاه و رژیم منفرود برگردانند.

نخست‌وزیر در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «مردم» وقتی دیدند جیبه ملی با تمام قواش می‌خواهد ما را به سمت یک حکومتی و به سمت یک رژیم غربی دارد بکشاند او را طرد کردند.

او افزود: «لبرالها دیدند که ما با غرب می‌جنگیم و بسیار سرسخت می‌جنگیم».

مخدعلی رجائی در قسمت دیگری گفت: «اگر بندر خوزین شهر را دشمن موقتاً تصرف کرده است و بندر امام قابل استفاده نیست و امکان وارد کردن ارزاق کم‌شده است، مردم ما نه تنها با مصرف کم، رشد انقلابی خود را نشان می‌دهند، بلکه کریمانه از همان مقدار کمی هم که دارند برای مردم مسلمانی که در جبهه‌های جنگ برای بیرون راندن صدام و مزدوران صدام می‌جنگند کمک می‌کنند. اگر کسی جامعه‌شناسی بداند و بخواهد ببیند که واقعا این مردم چه می‌گویند، کفایت در میان این توده‌های میلیونی مسلمان حرکتی کند و ببیند که از شکم خود می‌برند و به سرباز، به سپاهی، به مردمی که می‌جنگند تقدیم می‌کنند».

نخست‌وزیر در جای دیگری از سخنان خود درباره توطئه‌ها و جوسازی‌های ضد انقلاب سخن گفت و افزود:

«ما برای اینکه بتوانیم جامعه خود را با میارهای انقلابی بسازیم، ما برای اینکه انقلاب اسلامی را تحقق بخشیم از هر زمان دیگر بیشتر به آرامش احتیاج داریم، ولی ضد انقلاب که اینرا نیز خوب می‌داند، ما را در اینراه دچار اشکالات می‌کند. دولت تصمیم دارد در برابر جو-سازیه‌ها، اشکال تراشیه‌ها، صبور، محکم و با استقامت بماند که فرمان انقلاب است. امام فرمان داده است، مردم فرمان داده‌اند. در اجرای این فرمان استقامت خواهیم کرد و ضد انقلاب داخلی و خارجی را به گورستان خواهیم فرستاد».

نخست‌وزیر در ادامه سخنان خود از همه کسانی که برنامه‌ای مفیدتر از برنامه فعلی برای پیشرفت کشور دارند خواست آن را در اختیار دولت بگذارند و اعلام کرد به شرطی که این برنامه مغایر با انقلاب اسلامی نباشد دولت آنها را با هر بودجه‌ای اجرا خواهد کرد. نخست‌وزیر افزود: «ما هیچ کجای دنیا مخالف بدون برنامه ندیده‌ایم. شما چگونه مخالفی هستید که خود را متخصص، دانشمند، جامعه-شناس، عالم و اداره کننده می‌دانید و از برنامه شما مردم ما بی‌اطلاعند. برنامه‌های خود را اعلام کنید و بجای تفرقه افکنی و بجای اینکه این

سه عضو حزب توده ایران در میان دو آب آزاد شدند

رفقا عبدالله کردپور، کریم نورانی و خالد قریشی از مسئولین حزب توده ایران که بدون هیچ دلیلی در اواخر آذرماه در میان دو آب بازداشت شده بودند، آزاد شدند.

سه رفیق توده‌ای را آزاد کنید

دوماه و نیم از بازداشت سه نفر از اعضای و هواداران حزب توده ایران در تهران میگذرد. رفقا حسین اصفافی پور، مرتضی آتشی فر و ناصر امام‌جمعه زاده، دوماه و نیم پیش در رابطه با توطئه‌ای که علیه حزب توده ایران و بر اساس اخبار نادرست و تحریک آمیز و افترا و بهتان، ترتیب یافته بود، با اشغال ساختمان فرهنگی جنوب در تهران بازداشت شدند و متأسفانه هنوز آزاد نشده‌اند.

۳ هوادار حزب توده ایران در بزم را آزاد کنید

سه تن از هواداران حزب توده ایران بنام‌های محمود قنبری پور، رضا مومن آبادی و رضا محمد آبادی روز ۹ دی ۵۹ در حال نوشتن شعارهایی در دفاع از روحانیت مبارز پیرو خط امام دستگیر و زندانی شدند. دستگیر کنندگان خود را «پاسدار» معرفی کردند سپس به منزل رضا محمد آبادی و محمود قنبری پور رفتند و تعدادی از کتابهای منتشره از طرف حزب توده ایران را بعنوان «مدرک» با خود بردند! طبق اطلاعات رسیده، این رفقا در حال حاضر به دادگاه انقلاب اسلامی رفسنجان منتقل شده‌اند. ما ضمن ابراز تأسف و تعجب از اعمال چنین محدودیت‌هایی در راه فعالیت‌ها و هواداران حزب توده ایران و اعتراض به بازداشت بی‌دلیل آنان، از سپاه پاسداران رفسنجان می‌خواهیم که هر چه زودتر رفقای بازداشت شده ما را آزاد کنند، تا این رفقا بتوانند همانند سایر اعضای و هواداران حزب توده ایران و در کنار تمامی مردم سلحشور میهنمان، در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به فعالیت سازنده خویش ادامه دهند.

مردم متحد، متشکل انقلابی را تکه تکه و پاره پاره کنید و تاریخ را از خیانت خود پر کنید، بیایید برنامه بدهید، بیایید طرح بدهید، بیایید بجای خراب کردن سازنده باشید».

در خواست تهاجم به نیروهای مزدور صدامی

در پایان مراسم قطعنامه رادیمائی قرائت و با فریادهای «الله اکبر» دریای جمعیت تصویب شد. در قطعنامه ضمن محکوم کردن توطئه علیه روحانیت مبارز، پشتیبانی از قوای سه‌گانه و محکوم کردن هر گونه تشنج، درگیری، تحسن و اعتصاب در سطح کشور که در خط آمریکاست آمده بود:

«ما حمایت بیدریغ خود را از نهادهای انقلابی، اعم از دادگاه-های انقلاب، کمیته‌ها، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی و سایر نهادهای جوشیده از بطن انقلاب اسلامی که حساسترین نقش را در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب داشته‌اند اعلام و هر گونه توطئه بر علیه آنها را محکوم می‌کنیم».

«ما ضمن تقدیر و تشکر از کلیه نیروهای مسلح نظامی و انتظامی، عشایر و داوطلبین رزمنده با الهام از فرمایشات فقیه‌عالیقدر امید امام امت حضرت آیت‌الله منتظری که فرمودند سیاست وقت کشی و مهلت تدارک نیرو به رژیم سفاک عراق دادن به قیمت ریخته شدن خون صدها جوان مسلمان و به وجود آمدن امید توطئه‌های شیطان برای آمریکا تمام خواهد شد بار دیگر از مسئولین امر می‌خواهیم هر چه سریعتر صفوف جنگ را شکسته و با به تهاجم در آوردن نیرو-های اسلام هر چه زودتر سرزمین اسلامی ایران را از لوث مزدوران حکومت یعنی پاک گردانند».

«ما به‌بازار نقاط مسکونی را که توسط رژیم خون‌آشام‌صدام صورت می‌گیرد نشانه ضعف و زبونی او دانسته و سکوت مجامع بین‌المللی و به اصطلاح حقوق بشر را در برابر نقض آشکار همه قوانین جنگی از ناحیه دولت سرسریده بعث محکوم می‌کنیم».

«با در نظر گرفتن شرایط زمان جنگ و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رساندن ندای حوقطلیانه ملت مسلمان ایران به گوش جهانیان مجدداً از مسئولین امر می‌خواهیم که هر چه زودتر کابینه را تکمیل و خلاء ناشی از نبودن سه وزیر خارجه، اقتصاد و دارائی و بازرگانی را پر سازند».

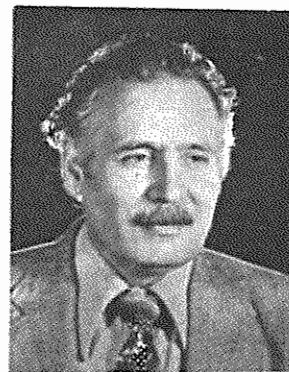
«ما سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا در رابطه با حملات ناجوانمردانه صهیونیسم به جنوب لبنان، سفر کیسینجر به خاورمیانه و کمک نظامی به کشورهای مزدور منطقه را محکوم کرده و به گفته امام بزرگترین دشمن خود را آمریکای جانی‌تکار می‌دانیم».

توجه!

مقالات زیر که در روزهای اخیر در نامه «مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:
* ادامه کار هیئت‌های هفت نفری علیرغم همه توطئه‌ها، مشکلات، تضییقات و اعمال فشارها (شماره ۴۰۶)
* هشدار! هشدار! آمریکا در آستانه اجرای توطئه هفتم است. (شماره ۴۰۹).



درگذشت یک عضو قدیمی حزب توده ایران



با کمال تأسفک اطلاع پیدا کردیم که رفیق جابر ایلدار مدنی، یکی از قدیمی‌ترین اعضای حزب توده ایران، در آسرا بیماری درگذشته است.

این رفیق باوفای حزب توده ایران، که در سن ۵۷ سالگی زندگی را بدرود گفت، در سال ۱۳۰۲ در شهرستان آریاشهر آذربایجان متولد شد. او در سال ۱۳۲۳ به عضویت فرقه دمکرات آذربایجان درآمد و پس از لشکر-کشی شاه ملعون به آذربایجان، در سال ۱۳۲۵، مجبور به ترک آذربایجان شد. وی در سال ۱۳۲۷ در تهران دستگیر و زندانی شد. رفیق جابرس پس از آزادی از زندان، به فعالیت در تشکیلات حزب توده ایران پرداخت. او در قیام ۳۰ تیر فعالانه شرکت داشت

و در جریان برخوردهای خیابانی مورد اصابت گلوله قرار گرفت. رفیق جابر ایلدار مدنی، پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، برای بار دوم دستگیر و زندانی شد. او پس از آزادی از زندان به فعالیت مخفی ادامه داد و عاقبت با پیروزی انقلاب ایران و آغاز فعالیت علنی حزب توده ایران، مجدداً به تشکیلات حزب پیوست. متأسفانه هنوز مدتی از فعالیت رفیق در تشکیلات حزب توده ایران نگذشته بود که به علت بیماری و عمل جراحی، چشمان او نابینا شد. با اینوصاف و هرگز از فعالیت‌های حزبی غفلت نمی‌کرد و این اواخر از دوستان خود می‌خواست که نامه «مردم» را بلند برای او بخوانند. رفیق جابر می‌گفت: «در تمام این مدت سیاه ۴۵ سال آرزو داشتم که دوباره فعالیت علنی و آزادانه حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران را ببینم، و اینک به آرزوی دیرینه خود رسیدم».

رفیق ایلدار مدنی به هنر نیز علاقه خاصی داشت و گاه شعر می‌گفت و نقاشی می‌کرد. ما ضایعه اسفناک فقدان این رفیق وفادار را به همه خویشان و دوستان وی صمیمانه تسلیت می‌گوئیم.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود



حمایت مردم پاناما از مبارزات مردم السالوادور

مبارزه قهرمانانه خلق السالوادور علیه دارودسته حاکم بر کشور و امپریالیسم‌ها آمریکا، با حمایت قاطع خلقهای آمریکای لاتین روبرو شده است.

دکتر کارلوس پرزهررا، رئیس «کمیته همبستگی مردم پاناما با السالوادور»، آنچه را که در السالوادور روی می‌دهد با جنایات مزدوران سوموزا و مستشاران آمریکایی در نیکاراگوئه مقایسه کرد و گفت:

«حتی سوموزا نیز جرئت نمی‌کرد آن دسته از کشیش‌های مبارز را، که از ظلم و ستم به جان آمده و از منافع خلق دفاع می‌کردند، قتل‌عام کند، در صورتی که اکنون در السالوادور مزدوران آمریکایی، علاوه بر کشتار مبین‌دوستان و آزادیخواهان، کشیش‌هایی را نیز که از خلق دفاع کرده بودند، به قتل رساند».

دکتر پرزهررا گفت: «مردم پاناما بنام بشریت قاطعانه جنایات دارودسته حاکم بر السالوادور و امپریالیسم آمریکا را محکوم می‌کنند و از مبارزه خلق السالوادور، که حلقه‌ای از زنجیره مبارزات مردم ستمدیده آمریکای لاتین است، حمایت می‌کنند».

نامه مَروم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم»)
هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست

NAMEH MARDOM

No. 412
6 January 1981

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر یا نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۳۵۵۹/۴۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

برنامه کودکان و نوجوانان، برنامه‌ای در سمت انقلاب

تلویزیون

برنامه کودکان و نوجوانان یکی از مهمترین برنامه‌های تلویزیونی است، زیرا هدف آن تربیت و پرورش نسلی است که در حال پاک‌رفتن است و سالی‌سالی قوام گرفتن شخصیت خویش را میگذراند، از سوی دیگر، تنظیم این گونه برنامه‌ها نیز بسادگی صورت نمی‌گیرد، زحمت و دشواری تهیه برنامه‌ای برای کودکان و نوجوانان برآب بیشتر از برنامه‌های دیگر است.

خوشبختانه تهیه‌کنندگان و گردانندگان برنامه کودکان و نوجوانان سیمای جمهوری اسلامی ایران چنین زحمت و دشواری را به‌جان خریدند و با هوشیاری و تیزبینی، کم‌وجه غالب کار آنهاست، این وظیفه مهم اجتماعی را در مجموع با موفقیت پیش می‌برند.

خط اصلی برنامه کودکان و نوجوانان سیمای جمهوری اسلامی ایران در مجموع در جهت انقلاب پرشکوه ایران قرار دارد. گفتارهای این برنامه به آگاهی هر چه بیشتر کودکان و نوجوانان در شناخت دوست و دشمن و چگونگی مبارزه با دشمنان می‌افزاید، ماهیت امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را برملا می‌کند و، مهمتر از همه، بر راز پیروزی بر آنان، یعنی اتحاد تأکید می‌کند.

به نظر ما، این اندیشه‌های انقلابی کاملتر و موثرتر بر ذهن کودکان و نوجوانان می‌نشیند، اگر بجای استفاده مداوم از

چهارچوب خشک گفتارها، بیشتر به آن جنبه نمایشی و یا مناظره‌ای داده میشود. کارتونهایی که بخش اعظم این برنامه را بخود اختصاص میدهد، در مجموع به‌غیر از یکی دو کارتون- از محتوای مناسبی برخوردار است. هداک جادو، داستان گلپایه سلام بر میمون و خرگوش و روباه، از جمله کارتونهایی هستند که کودکان و نوجوانان را با زندگی «انسان‌گونه» آشنا می‌سازند و یا مفاهیم «تجربیدی» را بگونه‌ای ملموس برای آنها توضیح میدهند.

متأسفانه باید گفت کارتونهایی که «نورس و ناتاشا» و «گوزن و راسو» شخصیت‌های اصلی آن هستند، با مجموعه کارتونهایی تلویزیونی این برنامه سدر محتوا هم‌سوئی ندارند. مثلاً «نورس و ناتاشا» به اصطلاح جاسوس‌هایی هستند که از طرف «پالائرها» خود مامورند تا در نظام منسجم و خوب و انسانی (آمریکایی!) اختلال کنند. این دو شخصیت سرقوپی تقلبی چاپ می‌زنند، تا بازار بورس را از رونق ببیند؛ تا بلوغ‌های مشهور را از موزه‌ها می‌زدند، تا به «پالائرها» هابرساوند

و... چرا، چگونه و به چه منظوری؟ معلوم نیست. تنها مطلب روشن این است که جامعه «آرام و باثبات و بیگانه از جنایت و دزدی و فساد و محرومیت... آمریکا»، مرتب از جانب این دو «جاسوس و قاچاقچی» - که «اتفاقات» نام‌های روسی دارند - مورد تجاوز قرار می‌گیرد. چنین برنامه‌ای، صرفنظر از انگیزه پخش آن، متأسفانه در سمت ستایش از جامعه دوزخی آمریکا قرار می‌گیرد و آن را بعنوان جامعه‌ای ایده‌آل معرفی می‌کند.

«آقای آگاه» و معرفی نقاشی‌ها و فیلم‌های آموزشی نیز از بخش‌های خوب این برنامه است.

برنامه‌های روز جمعه کودکان و نوجوانان غنی‌تر است، هر چند بعلت نبودن گوینده، که پیوند دادن برنامه‌ها به عهده اوست، از انسجام کافی برخوردار نیست. در دو هفته گذشته، فیلم‌های «هفت تیرهای چوبی»، ساخته شاپور قریب و «سازدهتی»، ساخته امیر نادری، از این برنامه پخش شد، که هر دو آنها از آثار خوب سینمای ایران درباره زندگی کودکان زحمتکش‌ان وطن ماست.

ما امیدواریم تا شماره آینده، که درباره قسمت‌های دیگر این برنامه سخن خواهیم گفت، نقش‌ها و نارسائی‌های کوچک این برنامه هم رفع شود.

تحریف تاریخ معاصر جهان

عوامل دیگری را باعث و بانی جنگ‌های امپریالیسم و باین ترتیب امپریالیسم را از این جنایات ضدبشری تبرئه کنند.

برای مثال، آخرین قسمت این مجموعه، که شنبه شب گذشته پخش شد و در آن وقایع جنگ دوم جهانی، از قرارداد «آنتی کمیترن» (قرارداد بین آلمان هیتلری و ایتالای موسولینی و ژاپن هیرو هیتو بر ضد اتحاد شوروی) تا قرارداد عدم تجاوز اتحاد شوروی و آلمان هیتلری - به اصطلاح باز-آفرینی شده بود، چیزی نبود غیر از تحریف آشکار مشهورترین وقایع تاریخ جنگ دوم جهانی بسود امپریالیسم.

معمولاً آخرین برنامه شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی ایران در جمعه شب‌ها، سریالی است که فرانسوی‌ها آنرا درباره «تاریخ معاصر» ساخته‌اند. این سریال، که از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر آغاز میشود، مجموعه‌ای طولانی است که هدف آن، بازآفرینی تاریخ معاصر جهان است. این مجموعه، به شیوه مورخین سرمایه‌داری، هدف اصلی‌اش قلب تاریخ معاصر و تحریف وقایع رویدادهای مشخص آن بسود امپریالیسم جهانی است. امپریالیست‌ها، که برای تقسیم جهان، هر دو جنگ جهانی را برافروختند و دامن‌زدند، در بازنگری به این تاریخ، اعم از آنکه توسط کتاب باشد یا فیلم، می‌کوشند

عوامل دیگری را باعث و بانی جنگ‌های امپریالیسم و باین ترتیب امپریالیسم را از این جنایات ضدبشری تبرئه کنند.

برای مثال، آخرین قسمت این مجموعه، که شنبه شب گذشته پخش شد و در آن وقایع جنگ دوم جهانی، از قرارداد «آنتی کمیترن» (قرارداد بین آلمان هیتلری و ایتالای موسولینی و ژاپن هیرو هیتو بر ضد اتحاد شوروی) تا قرارداد عدم تجاوز اتحاد شوروی و آلمان هیتلری - به اصطلاح باز-آفرینی شده بود، چیزی نبود غیر از تحریف آشکار مشهورترین وقایع تاریخ جنگ دوم جهانی بسود امپریالیسم.

به نظر ما، این درشان سیمای جمهوری

باز هم یک فیلم بد از شبکه دوم

اما متأسفانه فیلم «جغد نام مرا صدا زده» که از شبکه دوم پخش شد، فیلمی بود در ظاهر مذهبی، اما با محتوای صددردصد خرافی. این فیلم در واقع رواج‌دهنده آن چیزی بود که امپریالیست‌ها بنام مذهب می‌شناسند و با رواج آن هدفی غیر از پخش خرافات و پندارهای دروغین ندارند.

«قلماری در برف» برآستی اثری درخشان در ستایش کار جمعی و تعاون و همکاری انسان برای اهداف عالی انسانی بود. فیلم «آنتی پرفراز شهر» به مقاومت پارتیزانها علیه اشغالگران نازی می‌پردازد و از حماسه خلق‌ها علیه دشمن تجاوزکار سخن می‌گفت.

چهارشنبه شب گذشته، سیمای جمهوری اسلامی ایران - شبکه اول- اثر معروف پرتولد برشت، نویسنده انقلابی آلمانی را، که در جهان و ایران شهره خاص و عام است، پخش کرد. این اثر - «تفتنگهای نه کارار» - را برشت در سال ۱۹۳۷ نوشت. ماجرای نمایشنامه در ایام جنگ داخلی اسپانیا میگذرد و در آن برشت نشان میدهد که انسان به هیچ وجه ممکن نیست در مقابل جنایات فاشیسم بی-

اجرای ضعیف یک اثر خوب

تفاوت بماند. بدون تردید هم انتخاب چنین موضوعی در اوضاع کنونی کشور، که با تجاوز فاشیستی رژیم صدام روبروست، و هم پخش اثری از برشت از سیمای جمهوری ایران، قابل ستایش است. اما متأسفانه باید گفت که این نمایش، در مرکز سیمای جمهوری اسلامی ایران - شیراز، به کارگردانی عباس جمالی تهیه شده بود، بهیچ‌رو دارای اجرائی نبود که بازگوی محتوای نیرومند اثر باشد. بازیهای ضعیف،

در صحنه‌ای که در آن از لوازم اجرای یک اثر برشت هیچ‌خبری نبود، باضافه ضبط کم‌تحرك تلویزیونی، همه نیرومندی و اثر-گذاری «تفتنگهای نه کارار» را سیخ کرده و در واقع چیزی زیادی از آن باقی‌نگذاشته بود.

امیدواریم سیمای جمهوری اسلامی ایران، ضمن ادامه پخش اجرای نمایشنامه-های انقلابی جهان، به اجرا و ضبط آنها نیز توجه کافی مبذول دارد.

رهبران «مبارزان» افغانی باز هم بدست‌بوس سادات رفتند

«غرب باید بیشتر به ما کمک کند»

او که بنیانگذار همه گروه‌های به اصطلاح مبارز افغانی است، افزود:

«بعضی از کشورهای عربی (عربستان و شیخ‌نشین‌ها) قول داده‌اند که کمک به مبارزان را افزایش دهند».

یک هیئت ۷ نفری از رهبران به اصطلاح «مبارزان» افغانی برای چندمین بار بدست‌بوس سادات رفت.

ثبقت‌الله‌مجددی، که ریاست این هیئت را بعهده دارد، ضمن اعلام اینکه بدعوت کمیته موسسان «اتحادیه کشورهای اسلامی و عرب» وارد قاهره شده است، در مصاحبه با روزنامه الاهرام، از «کمک‌های ذقیمت سادات» تشکر کرد و گفت:

«مبارزان» افغانی باز هم بدست‌بوس سادات رفتند. او که بنیانگذار همه گروه‌های به اصطلاح مبارز افغانی است، افزود: «بعضی از کشورهای عربی (عربستان و شیخ‌نشین‌ها) قول داده‌اند که کمک به مبارزان را افزایش دهند».